

جنگ، کارگران و زحمتکشان را بیکار و در جبهه ها

کشتار میکند

- ☆ "سیاست حفظ اشتغال" پوششی برای اخراج کارگران در صفحه ۲
- ☆ اخراج ۸ هزار کارگر ایران ناسونال در صفحه ۹
- ☆ اخباری از اعتراض و مبارزه کارگران در صفحه ۱۱

با نگار گرفتن هر چه بیشتر نیروی انسانی جبران نمایند. سردمداران جمهوری اسلامی که تاکنون سیم هزار نفر را در شکارها، با تلافی و کوهپایا به گام مرگ فرستاده اند با قربانی می طلبند. خمینی در تدارک جنگ بسیار خونینی است. ولی دیگر آن روزگاری که خمینی و اصحابش می توانستند تنها با حربه شمشیر و فریب و وعده بهشت صدها هزار جوان را بسوی کشتارگاه برانند گذشته است. مردم ما دیگر دریافته اند که رژیم آنها رانه به بهشت، بلکه به جهنم در زمین، جهنم جبهه ها فرامیخواند. سردمداران خون آلود رژیم که خود نیز به این واقعیت پی برده اند، اینک علاوه بر آنکه میکوشند دانش آموزان را سا دادن نمره قبولی ودا وظلمین کنکور را با وعده دانشگاه چند ماهی به جبهه بکشند، علاوه بر آنکه تلاش میکنند کارگران و کارمندان را با تهدید به اخراج به جبهه فرستند، برای مقابله با افکار سربازان ازجبهه ها وغیبت مشولین حاره سزور اندیشیده اند: دستگیری واعزام به جبهه ها سزور سلاح.

در قانون مصوب ۲۵ تیرماه ۶۵ هیئت دولت به صراحت گفته میشود که: "باید پاسداران، بقیه در صفحه ۱۰"

به جبهه نروید!

آتش جنگ همچنان زیبا نه میکشد. رژیم خمینی با میکوشدن این آتش را با سوزاندن هر چه بیشتر جان و مال مردم شعله ورت کنند. در شرایطی که دلخای زحمتکشان میهنمان مالا مال از نفرت به رژیم و جنگ است، در شرایطی که توده های مردم بیش از هر زمان دیگری به مخالفت با جمهوری اسلامی برخاسته اند، خمینی و دیگر رهبران جنایتکار رژیم در تدارک جنگ بسیار خونین و وحشتناک دیگری هستند و اینبار نیسز مانند رهبران دیگر فریبکارانه فریاد بر میآورند که این حمله، آخرین حمله است و جنگ با آن پایان خواهد یافت.

در شرایطی که توده های مردم دیگر حاضر نیستند قربانی فریب و تیرنگ رژیم شوند، رژیم بیش از هر زمان دیگری برای روشن نگاه داشتن جبهه جنگ به بول و جان آنان نیازمند است. خمینی و شریکان جنایتکارش که اقتصاد کشور را ورشکستگی کامل گشایده اند، اکنون تلاش میکنند تا توانی مالی خویش و کمبود تجهیزات نظامی را

میرم ترین نیاز جنبش:

اتحاد برای آلترا تویو انقلابی

فاجعه جنگ، فلکناک اقتصاد، درگیری حاد جناحهای حکومتی، افزایش بی سابقه نفرت مردم از رژیم بحران زده، و از سوی دیگر ضعف جنبش توده ای و عقب ماندگی جدی سازمانهای انقلابی در انجام وظایف خود، زدمه ترین عنا صروض کنونی کشور ما هستند. بررسی هر چه واقعی ترین پدیده ها، برای شناخت هر چه واقعی تر وضع کنونی و تشخیص چشم انداز آینده و درک عظمت وظایف سازمانهای انقلابی و مردمی اهمیت اساسی دارد.

"ولایت فقیه" در گزافانبر جنگ و بحران اقتصادی

ادامه جنگ ویرانگر هیچگاه به اندازه امروز برای حکومت دشوار نبوده است. با اینهمه حکومت فقها، مروجین از هر زمان کشور را، "وقف جنگ کرده است. آخرین نقشه برای ادامه جنگ که "استراتژی جدید جنگی" نامگذار شده، نشاندهنده دست و پا زدنهای زیبا نه و به تمام معنی جنون آمیز حکومت برای بیرون آمدن "فاتحانه" از با تلاق جنگ است. اساس این "استراتژی" تلاش برای خنثی کردن برتری تسلیحاتی ارتش عراق و کسب برتری نظامی، از طریق سرازیر کردن امواج انسانی به جبهه ها است.

حکومت برای هموار کردن راه اجرای به اصطلاح "استراتژی جدید"، برای امیدوار کردن نیروهای خود و امیدوار کردن مردم به پایان این کار بوس خونین، وعده "یکسره کردن جنگ" و "پیروزی نهایی" میدهد. حمله موعود رژیم، حتی اگر منجر به اشغال نکه های دیگری از خاک عراق بشود، تنها هیچ "پیروزی" واقعی برای رژیم خمینی در بر نخواهد داشت بلکه آنرا بیش از پیش در با تلاق و بن بست فرو خواهد برد. تنها نتیجه قطعی و حتمی این حمله کشتار بی سابقه مردم ایران و عراق و هر چه شعله ورت تر شدن خشم و کین مردم علیه جنگ رژیم جنگ افروز خواهد بود. بنا بر این فشاری که اکنون تداوم جنگ بر رژیم وارد میسازد، در راستای اجراء استراتژی جدید تشدید میگردد.

بحران اقتصادی که همه عرصه ها را فرا گرفته، در نتیجه تداوم جنگ و در راستای اجرای "استراتژی جدید جنگی"، بونیز در شرایطی که هش شدید قیمت نفت و با بین آمدن میزان صادرات، به شدیدترین حد خود در طول سالهای گذشته رسیده است. حکومتیان به کرات گفته اند که همه اقتصاد کشور خدمت و در را ببطه با جنگ است. جنگ نه تنها تولید و درآمد موجود کشور را میبلعد بلکه در نتیجه تداوم آن کارخانه ها و کارگاهها تعطیل و یا نیمه کاره میشوند، روستاها نابود و تخلیه میگردند، تمام طرحهای صنعتی و تولیدی متروک میشوند و وابستگی اقتصاد کشور به واردات و به امپریالیسم بیشتر و بیشتر میگردد.

بحران اقتصادی رژیم به صورت اخراج بیگاری کمزوری و گرانسراسر ام و بربرنگی توده های میلسونی جنگ انداخته است. وضع زندگی مردم هر بقیه در صفحه ۲

دفاع از صلح، نبرد با امپریالیسم، تجاوزگری و نژادپرستی

در کنفرانس غیر متعهد ها

وامنیت سیاره مان به مثابه یک مسئله بنسادی می نگوریم. وی افزود: "تا زمانیکه مسئله تا مین صلح به مثابه مسئله محوری حل نشده باشد، صحبت پیرامون سایر مسائل بی معنی خواهد بود." در خطابه ای که کنفرانس حاره به سسران کشورهای اتحاد شوروی و آمریکا ارسال دانست، گفته شد: "شریت هرگز این چنین به نابودی خود نزدیک نبوده است." در آنجا تاکید شده است که کشورهای صاحب سلاحهای اتمی باید گام فوری برای جلوگیری از وقوع جنگ هسته ای بردارند. کنفرانس آشکارا نشان داد که کشورهای غیر متعهد به ندای اتحاد شوروی مبنی بر زودن بلهه جنگ هسته ای، پاسخ مثبت دادند. بقیه در صفحه ۱۰

هشتمین اجلاس جنبش غیر متعهد ها از برجستگی ویژه ای برخوردار بود. اجلاس به تریبسون افکار گرانه علیه امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا و حکومت افریقای جنوبی تبدیل شد. جنبش غیر متعهد ها در این گردهمایی، با احساس مسئولیت جدی تر نسبت به سرنوشت بشریت سرخورد نمود. در مقایسه با هفتمین اجلاس، شمسار بسیاری از نمایندگان جنبش، مهمترین مسئله بشریت یعنی امر صلح را مورد توجه قرار دادند. تقریباً تمام سخنرانان اجلاس، از ابتکارها و پیشنهاد های اتحاد شوروی پیرامون خلع سلاح و مهارت مسابقه تسلیحاتی، از تمدید مهلت آزما بوش سلاحهای هسته ای و از بر تاد اتحاد شوروی برای محو سلاحهای هسته ای تا سال ۲۰۰۰ اعلام پشتیبانی کردند. رابرت موگابه نخست وزیر زیمبابوه و رئیس جدید جنبش اعلام نمود که: "من با بردارم که تمام جهانیان می اندیشند که ما به مسئله صلح

با توجه به این واقعیت و از آنجا که علیرغم تمام بیگردها و تعقیب و مراقبت ها، سازمان ما توانست بلنوم وسیع کمیته مرکزی را با شرکت فعال بخش مهمی از کار درهای داخل و خارج با موفقیت برگزار نماید، رژیم جنایت پیشه خمینی بیشتر به خشم آمده و به تلاش دیوانه واری جهت ضربه زدن به سازمان و درهم کستن مقاومت انقلابی فدائیان اسیر دست زده است.

رژیم از مدت ها پیش تلاش کرد تا از طریق استراق سم تلفنی، تعقیب و مراقبت های مستمر و نفوذ در واحدهای تشکیلات، رهبران و کار درهای اصلی را شناسایی و با یورش های غافلگیر کننده، فعالیت سراسری فدائیان خلق را قطع کند. از سال ۱۹۶۱ تا امروز این چندمین بار است که عمال رژیم خمینی جنایتکار برای فدائیان خلق چنین خواب و خیال ها ئی را در سر بروراندیدند و برای وارد آوردن به اصطلاح ضربه گاری "خسب" برداشته اند.

تا کتیک پلیس سیاسی در رابطه با نقشه سرکوب سازمان دچار تغییرات مبنی گشته است: در سالهای ۶۲ و ۶۳ پلیس بطور عمده در صدد وارد آوردن ضربه سراسری به سازمان از طریق تعقیب و مراقبت و شناسایی و بیگرد و دستگیری همزمان گروهها بود بقیه در صفحه ۱۱

مرحله انقلاب، نیروهای محرکه انقلاب

- ☆ ره نمود برای کار مخفی در وضعیت کنونی... در صفحه ۴
- ☆ نیروی بتوان جوانان را سازمان دهیم! در صفحه ۸
- ☆ پایان کار کنترانس اسکپلم در صفحه ۱۲
- ☆ حمایت اتحاد شوروی از اوپک در صفحه ۱۰
- ☆ شبلی می جنگد در صفحه ۱۲
- ☆ نهاجم ترکیه به انقلابیون کرد در صفحه ۱۰
- ☆ گامی مهم در اتحاد نیروهای فلسطینی در صفحه ۱۲

عزم آهنین فدائیان در برابر نقشه های رژیم

رژیم مستبد جمهوری اسلامی که مرگ خسود را در بیداری و تشکل انقلابی کارگران و زحمتکشان میبیند، سرکوب جنبش های اعتراضی و تعصباتی مردم و سرکوب سازمانهای انقلابی و رزمنده و صوما کمونیستها را هدف قرار داده و هر دم نقشه های زاری را بر سر میسند به این هدیه های اهریمنی، به اجرا میگذارد. علیرغم شرایط شرور و احتناق دهنشاهای که رژیم منحن و جنایتکار جمهوری اسلامی کشور ما به یاد افکن کرده است، سازمان ما توانسته است فعالیت سیاسی تشکیلاتی خود را در مقیاس کشور حفظ کند و در جهت حفظ و گسترش پیوند با کارگران و زحمتکشان و هدایستی جنبش اعتراضی و انقلابی آنان را گامهای موثری بردارد. با همه ترسها و جنایتکارانه رژیم علیه فعالین سازمان، نشریات اعلامیه ها، تراکت ها و شعرا و رهنمود های سازمان به مقیاس وسیعی در سرتاسر میهن بهیان مردم برده میشود و بزرگترین انقلابی میفشانند.

زنده باد صلح، زنده باد آزادی، مرگ بر خمینی

”سیاست حفظ اشتغال“ پوششی برای اخراج کارگران

با رسم مردان می روی!

اخراجهای توده‌ای کارگران که از یکسال و نیم پیش آغاز شده در ماه‌های اخیر وارد مرحله جدیدی شده است. مقدماتی که در این سال با گام زدن دوره جدید تشدید بحران، تحت عنوان شرایط نوین اقتصادی نام می‌برند. رژیم با توجه به عوارض اقتصادی و اجتماعی این بحران، بویژه تأثیر آن بر زندگی کارگران، نقشه‌های جدیدی را تحت عنوان فریبکارانه ”سیاست حفظ اشتغال و جابجایی نیروی کار“ تدارک دیده است. در همین باره که چندی پیش توسط مدیر کل های وزارت کار و امور اجتماعی کشور و با حضور وزیر کار و معادن و وزیر صنایع صنایع سنگین و کار و تشکیرات و معادن، در این سیاست تشریح گردید. مضمون اصلی سیاست دولت در مورد این اصطلاح ”حفظ سطح اشتغال“ عبارتست از ”صرفه جویی در هزینه های عمومی و احدهای تولیدی و صنعتی و با خرید و اخراج بخش های از کارگران و تغییر سطح تولید تعدادی از کارخانجات در جهت تولید جنگ افزار روستا زهای جبهه در یک دوره ۲ تا ۳ ساله. در این میان، صنایعی که کارگران آن قابل زهمه در معرض با خرید و اخراج قرار دارند عبارتند از: صنایع مس و خودروسازی، لوازم خانگی، بخشی از صنایع شیمیایی و نساجی. اما این امر به ریشه های تولیدی فوق محدود نمی‌ماند بلکه بخش وسیعی از واحدهای صنعتی یک به یک با لاترازه ای کارگردان رتدرا نیز در بر میگیرد. در همین رابطه است که معاون طرح برینا هم وزارت کار میگوید: ”در شرایط نوین اقتصادی، واحدهای تولیدی زیر بهره‌برداری قرار خواهند داشت. البته به قیمت ورشکستگی و تعطیل بخشی از واحدهای بزرگ و اخراج کارگران آنها.“

معاون وزیر کار برای آنکه با اتمام این سیاست و اجتماعی این بحران و اخراج کارگران صنعتی را تا چیز جلوسه دهد میگوید: ”از ۲۰ تا ۳۰ میلیون نفر نیروی کار را غل در بخش های مختلف اقتصاد کشور تنها ۶۵ هزار نفر در واحدهای صنعتی با لاترازه ای در مشغول بکار شده اند. معده صنایع از زیر بار این گروه قرار دارند.“ در عرض واحدهای کارگاهی زیر بهره‌برداری خواهد شد. این سیاست، روی دیگر آن سکه است که از طرح ورشکستگی تعاونی کردن ذوب آهن و واحدهای دولتی مشابه دفاع می‌نماید و در واقع قطع کردن منابع بزرگ و تبدیل آن به واحدهای کارگاهی منطقه‌ها را برود. در اینجا به تنهایی جنبه اجتماعی مسا له یعنی اخراج و بیکار شدن کارگران و واحدهای صنعتی مهم است بلکه جنبه اقتصادی و سیاسی آن، یعنی تضعیف بنیینه صنایع دولتی و بخش خصوصی و وارد کنندگان کالاها می‌باشد. بنابراین قابل تأکید است.

وجه دیگری سیاست اقتصادی ”نوین رژیم“، نظامی کردن بخشی از اقتصاد با طریق تغییر سطح تولید است. در این باره که در این سیاست در جهت تولید جنگ افزار روستا زهای جبهه است، این سیاست به بیانه حفظ سطح اشتغال و جابجایی نیروی کار، ”تولید جنگ افزار را جانشین تولید کالاهای مورد نیاز مردم میکنند، تورم را تشدید می‌کنند، کارخانجات را به بی‌سربازخانه بدل می‌کنند، آتش جنگ را تیزتر می‌کنند و در یک کلام، بجای درست کردن آبرو چشم‌ها کور می‌کنند. در سیاست رژیم برای ”حفظ اشتغال در شرایط نوین اقتصادی“، تمهیدات دیگری نیز از نظر تا مین مالی برای سرما به گذاری و در واحدهای تولیدی در جهت رونق دهی است و نیز با مکانات اشتغال و جابجایی نیروی کار پیش بینی شده است. معاون طرح برینا می‌گوید: ”وزارت کار طی مصاحبه ای گفته است: ”طرح اشتغال از مکانات و سرما به گذاری بخش خصوصی برای حفظ و ایجاد اشتغال در دست اجرا می‌باشد. روشن است که انگیزه و هدف این قبیل تمهیدات ”فعال کردن بخش خصوصی است نه حفظ و ایجاد اشتغال برای کارگران. رژیم همچنین برای تا مین مالی، استفاده از اندوخته‌های سازمان تا مین اجتماعی را که سه از آن کارگران است به نام ”منبع دیگری سیاست برای سرما به گذاری و ایجاد اشتغال“ در نظر گرفته است. ”سرما به گذاری کردن از بیبیکار گری برای استفاده نیروی کار خود را و وارد کردن آن به بخش های نمونه از سیاست حفظ اشتغال و حمایت از کارگران، جیب‌سزای نیست. چنین کلاهبرداری آشکار و وقیحانه که تنها از زنده حکومت شما آذ خونده است.“

”اشتغال و جابجایی نیروی کار“ نیز در سیاست گذاری جدید دولت شامل موارد زیر است: ”مشارکت در پروژه‌های جنگی بطور فعال“، ”مشارکت در طرح‌های عمرانی و تاسیساتی“ و ”اشتغال کارگران و طلب به مشاغل کشاورزی و غیره“

طرح بیمه بیکاری“ نیز یکی دیگر است. از مواردی که در این سیاست است که توسط وزارت کار به هیات دولت برای تصویب ارائه شده است. این طرح، طبق معمول بجای آنکه تا مین هزینه بیمه بیکاری را بر عهده کارفرمایان و دولت بگذارد بر

دوش کارگران می‌نهد. وزارت کار و معادن تا مین اجتماعی به اذی حق بیمه‌های پرداختی کارگران بستده نگردد و بجای استفاده از منابع مالی تا مین اجتماعی برای پرداخت حق بیمه دوران بیکاری به کارگران، کارشان تنها در ”وام بیکاری“ به کارگران است. حال آنکه وظیفه صندوق بیمه بیکاری پرداخت بخش معینی از حقوق ماهانه کارگران است بعنوان حقوق دوران بیکاری، که باید تا موقع اشتغال مجدداً رگر با و پرداخت شود.

اینهاست رئیس ”سیاست حمایتی دولت برای حفظ اشتغال و جابجایی نیروی کار“. همه وعده و وعده‌ها بی که مسئولین حکومتی هفته‌ها ای خیر در رابطه با حل مشکلات صنایع و معادن است. اخراج کارگران داده و می‌دهند، می‌توانند ”تمهیدات فوق الذکر است“ آنها را برای فریب کارگران (که تکرار وضعیت ایران ناسیونال و واحدهای دیگر هستند) اقم حضرت عباس می‌خورند و اطمینان می‌دهند که: ”کمیته اشتغال استادیسراج اقتصاد کشور تصویب کرده است که در شرایط فعلی، حفظ اشتغال کارگران و معادن است. از اخراج آنها از اصول مسلم است.“ ”از دید ما اصل بر بقا“ کارگران و امنیت شغلی آنها است.“ ”گروه‌ها ای چکارگران به علت کمبود مواد اولیه یا قطعات فنی، مورد پذیرش وزارت کار نیست. وزارت کار به منظور حقوق کارگران و ایجاد امنیت شغلی برای نیروی کار، وظیفه بخشنا همه‌ها شده است. از آن رو که ما در این کشور دستور داده است تا در زمینه معادن از اینگونه اخراج‌ها برخوردار نشویم. لازماً بعمل آورند.“ ”بسیار مطالب را آقای مومنان و وزیر کار در مقامیسل ”سیاست‌ها“ در مورد اخراج‌های گسترده کارگران عنوان کرده است. ما دم خوریم آنچنان آشکار است که این به وقسمه نامیتوا ندوا کنشی جز آنجا ربا نگیرد. مقامات حاکمه مدتهاست که برای مبارزه با تشنگاهای اقتصادی و محدودیت‌های ارزی ”بر ضرورت اخراج‌های گسترده کارگران و کارمندان تأکید دارند. این سیاست عمومی رژیم در رابطه با مساله اشتغال است. بهزاد دنیوی مدتها پیش نیز زوقیقا نه از سیاست کم کردن ”نان خورها“ و تسریع در اخراج‌ها سخن گفته‌اند. از سال ۶۵، مسینا راطق صنایع معادن در کرمان بهی برآورد سیاست اقتصادی رژیم، روند اخراج بیکاری را از نظر تسریع در اخراج‌ها در نظر گرفته‌اند. رژیم در تنظیم بودجه سال ۶۵، بیشترین سهم را به هزینه‌های جنگ اختصاص داده و اعلام کرده است که همه مکاناسات صنعتی کشور نیز در خدمت ادامه جنگ قرار خواهد گرفت. از نظر تا مین نیروی انسانی نیز باید گفت که رژیم،

تمامی تلاش خود را برای بسیج نیروی هر چه می‌تواند در کارگران برای اعزام به جبهه‌ها بکار می‌برد. اخراج‌های توده‌ای کارگران و فشا رهای اقتصادی ناشی از آن، برای رژیم شریک‌ها را فراهم می‌آورد که فریب و جذب نیروی بیکار را تسهیل می‌کند. رژیم همچنین برای جابجایی نیروی کار، به بیای تغییر سطح تولید واحدها، بر فشار خود به کارگران در جهت پیشبرد سیاست‌ها ای اعزام به جبهه افزوده است.

وزارت صنایع با تهیه فهرستی از واحدهای رگر و واحدهای تحت پوشش خود، سیاست فوق را با اجرا در می‌آورد. در ایران ناسیونال بخش اعظم کارگران در دست است. اخراج‌ها رگر گرفته‌اند، در تراکتور سازی تیریز بخش عمده خط تولید را قطع کرده و کارگران را برای اعزام به جبهه‌ها گروه بندی کرده‌اند. در کارخانجات معادن بدنیا ل شکست توده‌ها اخراج وسیع، اخراج تدریجی گروه‌های ۱۵-۲۰ نفره کارگران در دستور قرار گرفته و نیز بخش‌های کارگران را در گروه‌های صد نفره اعزام به جبهه‌ها می‌کنند. در کارخانجات پلمین ۸۰۰ کارگر را با خرید شده‌اند.

اکنون اخراج‌های دسته جمعی کارگران از حالت پراکنده و خود بخود فرا تر رفته و به سیاست رسمی حاکمیت به طور سیستماتیک به اجرا در می‌آید. نقش جنگ در تسریع این روند، نقش تعیین کننده بوده است. سیاست‌ها ای که به جهت بی‌فریبیت و همه چیز در خدمت ”جنگ“ نامیتوانند عوارضی جز این در پی داشته باشند. در شرایط کنونی، فشا رهای یکمترکن اقتصادی و پراکنده گری ضعف سازمانی طبقه کارگر، از جمله عوام مالی است که رژیم را در عمل سیاست ارتجاعی اش گناخ ترک کرده است. با وجود این، رژیم معینی زوا کنش اعتراضی کارگران هر اسان است و تلاش می‌کند به سیاست تبلیغاتی عوام فریبانه تا مانع شکل گیری حرکت اعتراضی‌ها مانع و متشکل گردد. محاسبه واکتشی اعتراضی توده کارگران، در مقابل اخراج‌های سیستماتیک و تاسیساتی و اجتماعی آن، رژیم را بر آن داشته است که به تدا بیروی جویند و رخشنا همه‌ها ای ادا روبا زگذا شتیر خیمتفنده، سیاست اخراج منظم و مداوم را در پوشش سیاست‌ها ای اشتغال ”عرضه

- می بینمت ، می بینمت ،
- رو سوی زندان میروی .
- با جرم عشق کارگر ،
- با یاد دهقان میروی .
- می بینمت ، می بینمت ،
- بارسم مردان میروی .
- ذیق ، مبارز ، مستقل ،
- نی مضطرب ، نی منفعل ،
- برداشته سر ، باکدل ،
- برعزم و ایمان میروی .
- می بینمت ، می بینمت ،
- بارسم مردان میروی .
- آنان که باید بینمت ،
- افراشته قد بینمت ،
- با سفر سجد بینمت ،
- آوده وجدان میروی .
- می بینمت ، می بینمت ،
- بارسم مردان میروی .
- بدخواه تونکن بود ،
- دستش زخون رنگین بود ،
- از عاقبت غمگین بود ،
- اما تو شادان میروی .
- می بینمت ، می بینمت ،
- بارسم مردان میروی .
- بس راه‌ها سنجیده‌ئی ،
- راه نکو بگزیده‌ئی ،
- با ظلمان جنگیده‌ئی ،
- با فخر شایان میروی .
- می بینمت ، می بینمت ،
- بارسم مردان میروی .
- اکنون بزندان بینمت ،
- فردا به میدان بینمت ،
- در بین باران بینمت ،
- با فتح رخشان می روی .
- می بینمت ، می بینمت ،
- بارسم مردان میروی .

«ابوالقاسم لاهوتی»

نماید. وظیفه همه اعضاء و هواداران سازمان، کارگران سنیو مبارز و هسته‌های مخفی کارگری است: از با فشا رها طعنه‌ها می‌آید. سیاست حفظ اشتغال رژیم برای توده کارگران و مردم، فضای بیکاری را به طعنه‌ها ای جنگ و گسترش دامنه‌ها ای جابجایی نیروی توده‌ای علیه جنگ و اخراج، جلب حمایت مادی و معنوی کارگران و همه واحدها و نیز پشتیبانی توده‌های مردم از حق اشتغال کارگران ایران ناسیونال و واحدهای مشابه، سازماندهی کارخانجات کارگران اخراجی در پیوند با فعالین شغل، انعکاس سریع اخبار مربوط به اخراج و مقاومت کارگران در همه واحدها و تلاش برای هماهنگ کردن این مسابزارها سازماندهی راهبیمائی، جمع و تحسن در محوطه کارخانه و وزارت کار، تنظیم نامه‌های اعتراضی دسته جمعی برای کمیته اشتغال وزارت کار و تلاش برای انعکاس آندرمطبوعات واحدهای همجوار، ایجاد صندوق‌های حمایت از کارگران اخراجی و تبدیل صندوق‌های و اما موانعی به صندوق حمایت از کارگران اخراجی، مبارزه برای تا مین حق بیمه بیکاری و بسیج توده کارگران با شعار ربا ندادن به اخراج و اخراج و قطع بیدرنگ جنگ. تنها اتحاد و تشکل کارگران تا مین پیروزی در مبارزه علیه اخراج، جنگ و رژیم جنگ آشور و جمهوری اسلامی است.

برای متوقف کردن سیل اخراج، علیه جنگ پیا خیزید

مرحله انقلاب، نیروهای محرکه انقلاب

طرح استراتژی و تاکتیک سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) برای انقلاب ملی و دمکراتیک ایران که در کار شماره ۳۰ انتشار یافت، سندی است که برشالوده آن فعالیت انقلابی سازمان ما استوار می گردد. همانگونه که از عنوان سند پیداست ترسیم کننده خطوط عمده راهی است که انقلاب ملی و دمکراتیک ایران برای پیروزی و فرا روئی به انقلاب سوسیالیستی باید بینماید. این طرح " در عین حال مبنایی برای تدوین برنامه سازمان ما است. بنابر تاکید پلننوم وسیع، میتوان و باید در راستای تدوین برنامه، از طریق بهره گیری هرچه گسترده تر از خود و تجربه اعضا و کارهای سازمان و دیگر فعالین جنبش کارگری و کمونیستی ایران آنرا هر چه غنی تر و همه جانبه تر ساخت و به اثبات رساند. بر اساس مباحثات و تفکر در این باره، بر آنجا که کارگر ایران بکار گرفت. پیشاهنگ طبقه کارگر ایران تنها نیرویی است که قادر است راه پیروزمند نبند انقلابی را بروی خود بگشاید. لنین خاطرنشان می ساخت: " آنچه مهم است اطمینان در انتخاب صحیح راه است و این اطمینان است که انرژی و شور انقلابی قادر به معجزه را مدبار افزایش می دهد! هم تصویب و انتشار طرح استراتژی و تاکتیک سازمان ما و هم تشریح و توضیح آن و سایر مصوبات پلننوم وسیع فروردین ۶۵ که ما مجدداً به آن خواهیم پرداخت، از جمله اهدافی که تحقیق میکنند، آزاد سازی سازمانگری این " انرژی و شورا انقلابی

تاکتیک " ، اصل لنینی کاربرد صحیح مارکسیسم لنینیسم بر شرایط مشخص جامعه ما بوده است. پلننوم وسیع فروردین ۶۵ کوشید با تکیه بر مانی استراتژی و تاکتیک لنینی در انقلاب ملی-دمکراتیک و با بهره گیری از تجارب انقلابی دیگر کشورهای و پیروژه ها تکیه بر تجربه بزرگ انقلاب بهمین که در شناخت خود پیوستگی های جامعه ما آموزش های بزرگی دربر داشت و دارد، و اصول عام را بر شرایط مشخص جامعه ما خلاصانه و بطرز صحیح انطباق دهد. اکنون نشربه کار نظریه اهمیت مسائل - تشریح این جنبه فعالیت پلننوم را وظیفه خود قرار داده است. تشریح دیدگاه پلننوم در تبیین مرحله انقلاب ایران، نیروهای محرکه انقلاب، سیاست احادها و تشکیل جبهه، امر تا مین رهبری طبقه کارگر در انقلاب ملی - دمکراتیک و حاکمیت انقلابی خلق، بشیرویی بیکسر انقلاب و فرا روئی آن به انقلاب سوسیالیستی و نظایر آن بدون تردید سلاح شوربک جنبش ما را در پیروزمندانه علیه انحرافات راست و " چپ " مستقل می دهد و در امر ترسک سازمانگری جنبش کارگری ایران و هدایت جنبش انقلابی خلق تا شیرتایسان برجا خواهد گذاشت.

مقاله حاضر به بررسی دیدگاه پلننوم در برخورد با دوساله کلیدی، یعنی مرحله انقلاب و نیروهای محرکه انقلاب ملی و دمکراتیک مردم ایران پرداخته است.

قادر به معجزه " است. لنین " مباحثه خلاق " را " ثروت عمومی حزب ما "، حزب بلشویکیها، توصیف می نمود. اکنون وقت آنست که مباحثه خلاق پیرامون مسایل استراتژیک و تاکتیکی انقلاب ایران را دستمایه شکوفان کردن آن ایمنان نیروبخش و شور آفرینی سازیم که به درستی راه برگزیده ایم و مضمیم آنرا تا به پایان بسا گامهای استوار طی کنیم.

در این مسئله کوچکترین تردیدی وجود ندارد که تدوین استراتژی و تاکتیک انقلاب ایران وظیفه تاخیر ناپذیر ما کمونیستهای ایران است. مسئولیت پاسخگویی به مسایل استراتژیک و تاکتیکی جنبش در پیشگاه طبقه کارگر ایران و در برابر نهضت بین المللی کارگری و کمونیستی برعهده پیشاهنگ طبقه کارگر ایران است. چنین درکی ما را به پایبندی خدشه ناپذیر به مارکسیسم لنینیسم و انترناسیونالیزم پرولتری فرا می خواند و مشوق ما در بهره گیری هرچه گسترده تر از تجارب احزاب برادر در سراسر جهان و احساس تعهد و مسئولیت در قبال ترسختن گنجینه تجارب جنبش جهانی کارگری و کمونیستی است.

لنین مکرراً به لزوم کاربرد صحیح اصول عام، بر طبق خصوصیات ویژه هر ملت و کشور مربوط به آن تاکید نموده است. نقطه عزیمت رهبری سازمان ما در تنظیم طرح استراتژی و

طرح متدیک مساله

دمکراتیک را آشکار ساخت و بر همین پایه ناگزیری انواع انتقالی یا مانی انقلاب را که محصول " درم تنیدگی عناصر گذشته و آسند " هستند، نتیجه گرفت. وی در بررسی شرایط عینی در روسیه، شکل گیری دوگروه انضادها را، در عصر امپریالیسم، که موجب پیدایش دو جنگ احتمالی است مطرح کرد. تضاد بین نیروهای مولده و شدیا بنده با بقایای فئودالیسم و تضاد بین خصلت اجتماعی تولید و مالکیت خصوصی بر ابزار تولید در شبه تولید سرمایه داری. بقایای فئودالیسم در راه رشد بیشتر سرمایه داری و عامل انقیاد جامعه و بالنتیجه پایه عینی مبارزه بورژوازی و مردم علیه ترالیسم و مالکین بود. در عصر امپریالیسم روابط تولیدی سرمایه داری به عامل بازدارنده رشد نیروهای مولده تبدیل شد. بنابر این تضاد دومی با سه عینی مبارزه پرولتاریا علیه مناسبات سرمایه داری بود. لنین نوشت: " در روسیه معاصر مضمون انقلاب در بر دارنده " نه دوشیروی در حال رزم سا بکدیگر بلکه دو جنگ اجتماعی مختلف و ناهمگون است. یکی جنگ در طبق نظام استبداد سروز کنونی و دیگری در طبق نظام بورژوازی - دمکراتیک آسند که دیگر در برابر چشمان ما وجود می آید. یکی مبارزه همه خلق در راه آزادی (فر راه آزادی جامعه بورژوازی) و در راه دمکراسی یعنی در راه دیکتاتوری خلق است و دیگری مبارزه طبقاتی پرولتاریا با بورژوازی در راه ساختار سوسیالیستی جامعه... دو جنگ ناهمگون هم از لحاظ خصلت، هم از لحاظ اهداف و هم از دید ترکیب نیروهای اجتماعی مستعد برای شرکت قاطع در این بآن یک."

" طرح استراتژی و تاکتیک... معتقد است: " انقلاب در کشور ما به جهت سطح تکامل جامعه، خصلت تضادها و آرایش نیروهای طبقاتی آن کماکان در مرحله ملی و دمکراتیک قرار دارد."

در " طرح... " تشریح شده است: "... جامعه ما در عرصه های گوناگون حیات اجتماعی به یک تحول انقلابی - دمکراتیک در راستای سوسیالیسم نیازمند است."

" طرح... " نتیجه می گیرد: "نیروهای محرکه انقلاب ملی و دمکراتیک ایران عبارتند از: طبقه کارگر، دهقانان، خرده بورژوازی شهری و روشنفکران خلقی."

موازین متدیک این احکام کدامند؟ و بر پایه کدام تحلیل مشخصی از واقعیات کنونی جامعه ما این استنتاج به صورت گرفته اند. ابتدا بیاییم در طرح صحیح مساله بگوئیم. هم دانش و هم تجربه می آموزند که طرح صحیح مساله کلی نسبی از مساله را در بر دارد.

بر پایه آموزش مارکسیسم - لنینیسم هیچ انقلابی تا زمانیکه شرایط عینی و ذهنی آن نفع نیافته باشد به ظهور نمی رسد. در پیروزی از همین حکم است که لنین وقتی می خواهد مضمون انقلاب دمکراتیک روسیه را مدلل سازد متذکر می شود که سطح فعلی تکامل اقتصادی روسیه (شرط عینی) و سطح فعلی آگاهی و تشکل توده های وسیع پرولتاریا (شرط ذهنی) گسه ارتباط لاینفکی با شرط عینی دارد (آزادی تمام و قوری طبقه کارگر را غیر ممکن میسازد) (دو تاکتیک سوسیال دمکراسی در انقلاب دمکراتیک).

لنین بطور مشروح ترمی افزایش: " اگر کارگران از ما بیبرسند: چرا ما نباید برنامه ما حداکثر (انقلاب سوسیالیستی) را اجرا کنیم، ما در پیای متذکر خواهیم شد که توده مردم که دارای تمایلات دمکراتیک هستند هنوز از سوسیالیسم خیلی دورند، هنوز تضادهای طبقاتی نفع نگرفته است و هنوز پرولتاریا مشکل نشده است... (۴)"

این استنادات با روشنی تمام چگونگی طرح متدیک مساله را بدست می دهند و می آموزند که برای تعیین مرحله انقلاب باید سطح تکامل جامعه، خصلت تضادها و آرایش نیروهای طبقاتی در مجموع خود در نظر گرفته شود. اما این یک جنبه مساله است. مساله، جنبه براهیمت متدیک دیگری نیز دارد.

جها ما زیر تاثیر نبرد میان نیروهای سوسیالیسم و امپریالیسم رنگ می گیرد. بزبان روشن تر اگر عوامل پیش گفته در چارچوب دوران تاریخی که در آن بسر می بریم، بررسی شوند از مضمون تحول انقلابی در جامعه ما درک صحیح بدست می دهند. روی این جنبه مساله مکتب می کنیم: سده بیست در مرحله پایان گذار از سرمایه داری رقابت آزاد به سرمایه داری انحصاری (امپریالیسم)، مرحله ای که با زرفش چشمگیر تضادهای نظام سرمایه داری در مقیاس جهانی مشخص می شد، آغاز گردید. لنین تاکید می کرد که با ظهور امپریالیسم دوران آقایی بورژوازی در تاریخ بسر آمده و فرمان تاریخ در دستهای پرولتاریا معاصر قرار گرفته است. خدمت لنین به روند انقلاب جهانی تنها این نبود که با تحلیل امپریالیسم بمناب عالیترین مرحله سرمایه داری و آستانه سوسیالیسم، امکان پیروزی سوسیالیسم در کشور واحد را مدلل ساخت. او با تبیین اصل بشیوایی و سرکردگی طبقه کارگر در انقلاب دمکراتیک برای کارگران و خلقهای سراسر جهان در بیکار علیه پاسداران " جامعه کهنه " در پیروزمندانه علیه امپریالیسم و ارتجاع، در راه ایجاد " جامعه نو " چشم اندازهای نوین گشود.

انقلاب بورژوازی - دمکراتیک امکان حل جنگ اول اجتماعی را فراهم میسازد ولی قادر به انطباق نیروهای مولده با مناسبات تولیدی نیست. در حالیکه یک تضاد اجتماعی به فرجام می رسد، تضاد دومی عریان تر و حادثه رخ می نماید. بیمنی خاطر " آزادی جامعه "، فرآوری انقلاب بورژوازی - دمکراتیک به انقلاب سوسیالیستی را الزامی میکند. از اینجا نقش تاریخی و اجتماعی و انقلابات بورژوازی دمکراتیک تغییر می یابد. قبل از عصر امپریالیسم، انقلابات بورژوازی - دمکراتیک با همونی بورژوازی صورت می گرفت. این امر زمانی بود که سوزوزاوی نمابنده مناسبات تولیدی با بنده بود. ولی در عصر امپریالیسم گسه سرمایه داری به مرحله گندهگی گام گذاشت و بورژوازی " بارشدها بنده گرایشهای ارتجاعی " مشخص میشود، به فرجام رساندن انقلاب سوزوزاوی - دمکراتیک برعهده پرولتاریا قرار گرفت.

لنین تاکید میکند که مرحله دمکراتیک نباید به دستیابی به اهداف بورژوازی - دمکراتیک محدود شود. " پیروزی قطعی انقلاب حاضر، با پایان انقلاب دمکراتیک و آغاز مبارزه قاطع برای انقلاب سوسیالیستی را مشخص میکند. " (مجموعه آثار جلد ۹ ص ۱۳۰)

براین پایه لنین انقلابات بورژوازی - دمکراتیک و سوسیالیستی در عصر امپریالیسم را بمناب به مرحله از یک روند انقلابی ارزیابی میکند. لنین تاکید می کرد که عصر انقلابات بورژوازی - دمکراتیک کلاسیک سر آمده و اینگونه انقلابها در طراز نوینی قرار گرفته اند. اکنون انقلابهای ملی - دمکراتیک از قلمرو اهداف اقتصادی - اجتماعی سوزوزاوی - دمکراتیک فرا تر رفتند، و هدفهای جهانی ملی و جهانی اجتماعی به نحو ارگانیک در هم عصبان شده اند.

لنین در انقلاب دمکراتیک روسیه تا کمد می کرد که در شرایط نوین دیگر نه تنها دوجهی، بلکه سه صف بندی در بیکار های سیاسی و اجتماعی گشوده میشود: - صف حاکمیت ارتجاعی که حیات خود را در مرگ انقلاب جستجو می کند.

- صف سازش که تحت رهبری بورژوازی لیبرال در راه سترون ساختن انقلاب دمکراتیک و بندوبست با ارتجاع می کوشد.

- صف انقلابی - دمکراتیک خلق که برشالوده اتحاد کارگران و دهقانان تحت رهبری طبقه کارگر در راه پیروزی قطعی انقلاب می رزمند. (۱۷)

بوی نشان دادن اهمیت اساسی این شوع نگرش به انقلاب و نیروهای

لنینیسم در پرتو پیروزی سوسیالیسم در روسیه نشان داد که امکان گذار به سوسیالیسم حتی برای کشورهای کم تحت سلطه استعمار امپریالیسم بسر می برند و در درجات نازل رشد اجتماعی - اقتصادی قرار دارند، بدیده آمده است.

لنین خلقتانه دیا لکتیک درم آمیختگی عناصر کهنه و نو در انقلابات

محرکه آن، کافی است به این سخن لنین استناد کنیم که گفت:

"تقسیم به دو اردو، فریب سیاست لیبرالی است که گاه متأسفانه کسانی از هواداران طبقه کارگر گمراه میکنند، طبقه کارگر تنها پس از آن که ناگزیری تقسیم به سه اردوی اصلی را فهمید، میتواند بسا بهره گیری از درگیری های اردوی اول با اردوی دوم و بدون دقیقهای فریب و راجی با اصطلاح دمکراتیک لیبرالها را خوردن، سیاست کارگری خود و نه لیبرالی را در عمل پیش برد." (A)

این نگرش بیانشگر اسلوب براهیت لنین در تعیین نیروهای محرکه انقلاب بود. کاربرد خلاق ماتریالیسم تاریخی از سوی لنین، بردوران جدید آشکار کرد که درختستین دهه سده بیست، در شرایطی انقلاب برای "زادی جامعه بورژوازی" در روسیه و بخش های بزرگ جهان خاور فرامیرسید که برولتاریا در مبارزه علیه آن نیروهایی که خواستار انقیاد "جامعه نو" بودند، سلاح خود را صیقل داده و قادر به گرد آوری آنچنان قوایی بود که میتوانست در طوفان انقلابی اجتماعی که فرامی رسید، "بورژوازی را بمثابه یک طبقه نابودسازد". لنین می آموخت: در حالیکه "بورژوازی بمثابه یک طبقه راه خبانت به انقلاب دمکراتیک و آماج های آنرا در پیش میگردد و به سازش با امپریالیسم و ارتجاع رو می آورد، دهقانان بمثابه توده، به رهبری حزب انقلابی و جمهوری خواه ملتجی می گردند. و استعدادهای آنرا دارند که در اتحاد با طبقه کارگر "انقلاب دمکراتیک را بپایان خود رسانند." (۹)

تجربه و رویدادهای انقلابی پس از اکتبر، درستی این نگرش لنینی را به وضوح تمام با اثبات رساند. تجربه دهها انقلاب - از جمله انقلاب بهمن در کشور ما - نشان داد که:

"بخش های وسیعتری از مردم - دهقانان، زحمتکشان شهرها، خرده بورژوازی، روشنفکران خلقی، به مبارزه طبقاتی فعالی می پیوندند... و بیش از پیش برای همبستگی حیاتی و وحدت عمل با طبقه کارگر آگاهی می یابند. (در حالیکه) ... بورژوازی ملی بیش از پیش متمایل به سازش بسا ارتجاع داخلی و امپریالیسم می شود." (۱۰)

باین ترتیب مبنای لنینی در برخورد با انقلاب دمکراتیک: اولاً - ضرورت تامین سرکردگی طبقه کارگر بر اساس اتحاد با دهقانان برای به پایان بردن موفقیت آمیز دگرگونی های دمکراتیک، و گذار به سویالیسم و بر انفرادی بورژوازی بمثابه یک طبقه در انقلاب دمکراتیک استوار است.

ثانیاً - برپسوستگی منطقی انقلاب دمکراتیک و انقلاب سوسیالیستی بمثابه دومرحله از روند انقلابی و اجتمکتی است.

سازبرد این متد در هدایت عملی - سیاسی کارگران و دهقانان و خلقهای کراسر جهان در پی کارشان علیه امپریالیسم و ارتجاع، بگونه ای که به تامین رهبری طبقه کارگر در انقلاب و پیچ سوسیالیستی زحمتکشان در راه دستیابی به سویالیسم بیانجامد دارای اهمیت حیاتی است.

خصلت ملی و دمکراتیک انقلاب ایران

اکنون لازم است به طرح استراتژی و تاکتیک سازمان در انقلاب ملی و دمکراتیک ایران بازگردیم و نشان دهیم که چگونه تلاش شده است که اصول پیش گفته، برپایه شناخت تاریخی - مشخص از جامعه، بطرز صحیح - بر خصوصیات مشخص کشور و منطقه تطبیق داده شوند.

ماده یگانه "طرح"، فشرده ترین توصیف و از کیفیت تفا دکار و سرمایه و تضاد خلق و امپریالیسم در قیاس از انقلاب بهمن ۵۷، ارائه می دهد:

"بر اثر فروری های شاه در دهه ۴۰ مناسبات سرمایه داری در پیوند ارگانیک با امپریالیسم جهانی بسرعت رشد کرد و به مناسبات غالب در کشور ما تبدیل گشت. در این روند تفا دکار و سرمایه به تفا داخلی جامعه تبدیل شد و تفا خلق و امپریالیسم تشدید گردید."

مسلم است که صورت بندی اجتماعی - اقتصادی غالب در جامعه ما هم چنان سرمایه داری است و تفا داخلی جامعه نیز همین پایه هم چنان تفا دکار و سرمایه است. اما در باره تفا خلق و امپریالیسم باید به گونه ای دیگر صحبت کرد. سند مصوب پلنوم فروردین ۵۷ تحت عنوان "درباره سیاست و برنامه سازمان در سال ۵۷ تا ۶۱" و نیز "طرح استراتژی و تاکتیک" روی براندازی مواضع سیاسی و نظامی امپریالیسم "به مثابه دستاورد بزرگ انقلاب بهمن تاکید می کنند. اما خطای بزرگ آنست که تصور شود در اثر انقلاب بهمن و "جبهه ملی" یا "فدائیه امپریالیستی" انقلاب ایران منتفی است و تفا خلق ایران بسا امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا حل شده است. مواضع امپریالیسم در اقتصاد سرمایه داری ایران بسا رتبروند است. بورژوازی ملی هم منافع خود را، علیرغم برخی شرط و شروط، اساساً در حفظ وابستگی اقتصاد کشور به امپریالیسم و شراکت در سیستم جهانی سرمایه داری جستجو می کند و هم الزاماً و حتی علیرغم برخی تفاها، به هنگام نضج و در روند جدجش انقلابی و تعرض طبقات جامعه علیه طبقات بهره کش، در مبارزه سیاسی بیش از پیش خود را تحت حمایت اردوگاه امپریالیسم قرار می دهد و از نظر اجتماعی نیز به پایگاه امپریالیسم در کشور بدل میشود.

از سوی دیگر تردید نباید داشت که امپریالیسم جهانی برای حفظ و تحکیم مواضع خود در کشور ما با تمام نیروی اهریمنی سیاسی، نظامی و اقتصادی خود، با استفاده از تمام عوامل داخلی و خارجی، به طر ق گوناگون به اعمال فشار علیه استقلال کشور و جدجش انقلابی خلق ما روی می آورد.

تجربه انقلاب بهمن و نیز آنچه که امروز دولت ریگان آنرا "درگیری های منطقه ای" می نامد (در آن تگول، بنیکاراگوئه، افغانستان، کامبوج و...) بگونه های زنده بیانگر آنست که حکم بندهای امپریالیسم جهانی را در زمینه عمده ترین دشمنان مردم ایران قرار می دهد: دارای خصلت عینی و واقعی است و هر جنبش انقلابی و واقعی و هر انقلاب واقعی در همین مالزوما خصلت "ملی" و نیز باین دیگر "فدائیه امپریالیستی" "خواهد داشت."

در عصر ما که هر روند انقلابی در شراع نبرد جهانی میان امپریالیسم و سویالیسم قرار دارد، در دورانی که تولید سرمایه داری تا این حد جهانی شده است و سویالیسم نیز بمثابه یک نظم جهانی در عرصه مناسبات بین المللی قدر با فراشته است، مبارزه رها بی بخش ملی (فدائیه امپریالیستی)

لزوما با روندهای اجتماعی بیش از پیش پیوند یافته است. این پیوند میان مبارزه فدا میریالیستی با مبارزه در راه رهایی اجتماعی در عرصه بیگانه در راه وابستگی اقتصادی کشور به امپریالیسم نیز تجلی می یابد. باید توجه داشت که وابستگی اقتصادی با نظم سرمایه داری در کشور ما در پیوند لاینفکی قرار دارد. از اینرو مبارزه در راه قطع وابستگی اقتصادی کشور به امپریالیسم، لزوماً با بیگانه در راه حاکم داری و تحسولات بنیادین اجتماعی و اقتصادی بسود زحمتکشان و در راستای سویالیسم همسراه می باشد. شواقتاً در همین عرصه و بیش از همه، از همین جنبه است که بورژوازی تا توانی و ملتی بودن خود را در انجام وظایف انقلاب ملی - دمکراتیک بسه اثبات می راند. طرح استراتژی و تاکتیک سازمان میگوید: "حفظ وابستگی اقتصاد کشور و سیاست نزدیکی به امپریالیسم "از جهت اساسی سیاست رژیم جمهوری اسلامی است. حفظ وابستگی اقتصادی و سیاست نزدیکی به امپریالیسم دستاوردهای استقلال طلبانه انقلاب بهمن را زایل و راه احیای مواضع از دست رفته امپریالیسم راهوار می کند. باین ترتیب تا آنجا که به مضمون اجتماعی - اقتصادی مربوط است، وابستگی اقتصادی کشور به امپریالیسم همچنان از اهداف محوری انقلاب ملی می باشد. و از ه ملی در طرح استراتژی و تاکتیک سازمان، بیاتگر جایگاهی است که مبارزه فدا میریالیستی و انجام کامل وظایف فدا میریالیستی در انقلاب مردم کاماگان داراست. اگرچه برافتادن سلطه سیاسی و نظامی امپریالیسم به مبارزه فدا میریالیستی در کشور محتوی اجتماعی و طبقاتی عربانتری بخشیده است و بیش از پیش بورژوازی حاکم را در برابر خواستهای اجتماعی و عدالت خواهان کارگران و دهقانان و دیگر اقشار خواهان عدالت اجتماعی قرار داده است، اما هیچ وجه نافی آن نیست و "طرح" نیز به همین اعتبار، با توجه به روند ما "دستاورد های استقلال طلبانه انقلاب بهمن، بر خصلت ملی انقلاب نقطه تاکید کرده است.

و اما چرا ایران هنوز در مرحله انقلاب دمکراتیک قرار دارد، چرا انقلاب ما دمکراتیک است و سویالیستی نیست؟ در بحثی که گذشت روی خصلت ملی انقلاب ایران مکتب شد، اکنون باید با در نظر گرفتن آنکه تجربه خصلت ملی خصلتی دمکراتیک است، اما خصلت دمکراتیک انقلاب صرفاً قائم به خصلت ملی آن نیست. به همین دلیل در تعیین مرحله انقلاب در سندهای مورد اشاره عامل "سطح تکامل جامعه، خصلت تفاها و آرایش نیروهای طبقاتی آن" باید شده است.

در این رابطه لازمست توضیح داده شود که:

اولاً: سطح تکامل جامعه، به مثابه شرط عمده از کیفیات از این نظر در تعیین مرحله انقلاب نقش ایفا می کند که در آرایش تحلیل، همین عامل تعیین می کند که کدامین تحولات در زیر بنای اقتصادی - اجتماعی یک "تحول انقلابی" است. در جامعه سرمایه داری پیشرفته، جایی که مناسبات سرمایه داری در سطح سرمایه داری انحصاری دولتی گسترش یافته است، در جامعه ای که به دو طبقه نیروی کار و سرمایه تقسیم شده است تنها یک تحول انقلابی در مناسبات طبقاتی شناخته است: آزاد کردن نیروی کار از قید سرمایه. آشکار است که این "تحول انقلابی" یک تحول سوسیالیستی است، اما در جوامعی که تکامل اجتماعی هنوز در جنبه سطحی نیست، از جمله در شرایطی که اشکال مختلف مناسبات تولید ما قبل سرمایه داری، در جامعه وجود دارد، زمانی که تولید خرد کالایی بخش عمده ای از نیروهای مولده را بطنه است و در شرایطی که علیرغم پیدایی گرایشات انحصاری، هنوز این گرایشات بخش عمده نیروهای مولده را بکار نگرفته است. انجام املاطات راضی و دمکراتیک و محو بقای با ساختارهای ما قبل سرمایه داری، جمعی کردن تولید خرد و براندازی کلان سرمایه داری "تحولات انقلابی" بشمار می روند که خصلت دمکراتیک دارند و هنوز هیچکدام لزوماً به معنی براندازی سرمایه و تحول سوسیالیستی جامعه نمی باشند.

ثانیاً: وقتی گفته می شود نظریه سطح تکامل جامعه ما، انقلاب ایران در مرحله دمکراتیک و نه سویالیستی قرار دارد این بهیح وجه به این معنا نیست که نظریه سطح تکامل جامعه، برای ما هنوز امکان گذر به سویالیسم فراهم نشده است و بدین منظور می باید به عالیت ترین سطح تکامل سرمایه داری دست یافت.

پس از پیروزی انقلاب اکتبر، لنین در مورد حتی کشورهای نارشد یافته خاور نیز خاطرنشان می کرد که امکان گذر به سویالیسم برای آنان بدینند آمده است.

تجربه تاریخی صحت این ارزیابی را با قاطعیت با اثبات رساند. تجربه نشان داد که خلق ما ملزم نیستند برای گذر به سویالیسم تمام مراحل سرمایه داری دورانی بپوشانند. بر اساس همین جمع بندی تجربه تاریخی است که در خصلت بندی دوران ما از جمله تاکید می شود "عمر کمونی، عمر گذار جهانی به سویالیسم و کمونیسم است." (۱۱) کمی که مشخصاً تاکید می کند که امکان گذر به سویالیسم در مقیاس همه کشورهای جهان، قطع نظر از سطح تکامل اجتماعی آنها پدید آمده است. تجربه نشان داده است در جوامعی که هنوز از نظر سطح تکامل اجتماعی در مرحله ما قبل سرمایه داری قرار داشته اند نیز.

گذر به سویالیسم تحقق یافته است. همین تجربه اکنون در چندین کشور دیگر در حال گسترش است. در برخی از دیگر کشورها که قبل از انقلاب در مرحله سرمایه داری با رشدی بین و متوسط قرار داشته اند نیز اکنون انقلاب سویالیستی تحقق یافته است.

بدین ترتیب تجربه نشان میدهد که اگرچه سطح تکامل جامعه یکی از عوامل مشخص کننده مضمون و وظایف دمکراتیک یا سویالیستی انقلاب است اما بهیح وجه نباید تصور کرد که با ستنا سطح پایین تکامل اجتماعی - اقتصادی میتوان امکان گذار به سویالیسم را نفی کرد. نفی این امکان، بمعنی نادیده گرفتن عواملی است که لنین تحت عنوان نضج تفاها، نقش برولتاریا و مشکل و سطح سویالیستی خلق، بر آنجا تاکید ورزیده است.

در طرح استراتژی و تاکتیک در توضیح مرحله انقلاب چنانکه دیدیم گفته شده است که انقلاب ایران از جمله "به جهت خصلت تفاها" در مرحله ملی و دمکراتیک قرار دارد. نخست باید دید که مقصود از این عبارت چیست؟ در بند ۵ قطنه ما "عمده ترین وظایف انقلاب ملی و دمکراتیک ایران" بر شمرده شده است. انجام این وظایف در واقع حل یک رشته تفاهای است که هم اکنون هم در زیر بنای و هم در رویت جامعه وجود دارد. انقلاب ایران، کما که در مرحله دمکراتیک قرار دارد، زیرا عمده ترین تفاها می که حل آنها در دستور روز آن قرار دارد و خصلت دمکراتیک دارند، این وظایف "سرخو د" تعیین شده اند و این وظایف برپا به تحلیل عینی و مشخص اوضاع کشور، برپایه تحلیل و شناخت حادثترین تفاهای است که امروز در جامعه ما عمل می کند. در مورد وظایف انقلاب ایران، همانگونه که طرح میگوید، "تا مین دمکراسی سیاسی" و نیز "دمکراتیزه کردن حیات اجتماعی و اقتصادی کشور، قرار گرفته است.

انقلاب ملی و دمکراتیک ایران در دورانی گسترش می یابد که مضمون آن

کادرجانی از سرمایه‌داری به‌سو سبایلزم و کمونیسم است. از نقطه نظر سوسیالیستی انقلاب ایران در جامعه‌ای کستری می‌باشد که تقاضای سرمایه به نفع طبقات کارمندی و کلاسیک است. این عوامل تحت دگرگونی انقلاب ایران را عمیقاً تحت تاثیر گرفته و آنرا اساساً از انواع انقلاب‌های سوسیالیستی و سوسیالیستی می‌داند. به همین دلیل از نظر مضمون اجتماعی - اقتصادی انقلاب ایران با انقلاب‌های سوسیالیستی و سوسیالیستی متفاوت است. از نظر جهت اصلی حرکت انقلاب ایران با انقلاب‌های سوسیالیستی و سوسیالیستی تفاوت اساسی دارد. این انقلاب ایران می‌باید برچهره‌ای عینی‌نظمه پایان کار داشته باشد. این انقلاب در نظام سرمایه‌داری و وابستگی آن به سرمایه‌داری و وابستگی آن به سرمایه‌داری و وابستگی آن به سرمایه‌داری... اساساً در نظام سرمایه‌داری و وابستگی آن به سرمایه‌داری و وابستگی آن به سرمایه‌داری... اساساً در نظام سرمایه‌داری و وابستگی آن به سرمایه‌داری و وابستگی آن به سرمایه‌داری... اساساً در نظام سرمایه‌داری و وابستگی آن به سرمایه‌داری و وابستگی آن به سرمایه‌داری...

در هر اس از خویش توده‌های مردم، با تمام نیروی مهار جنبش انقلابی خلق کیمین نشسته و گم‌گشته‌اند، با امیرالیم و ارتجاع به بند و بست و فشار می‌کشند و سرانجام به خیانت آشکارا و انقلاب مردم دست می‌زنند. تاریخ همچنین گواهی می‌دهد که جنبش انقلابی سوسیالیستی ایران است و این واقعیت را تا بی‌پایان می‌کند که کشورها را و جامعه کشورها را سوسیالیستی کند. جنبش انقلابی ایران است و این واقعیت را تا بی‌پایان می‌کند که کشورها را و جامعه کشورها را سوسیالیستی کند. جنبش انقلابی ایران است و این واقعیت را تا بی‌پایان می‌کند که کشورها را و جامعه کشورها را سوسیالیستی کند. جنبش انقلابی ایران است و این واقعیت را تا بی‌پایان می‌کند که کشورها را و جامعه کشورها را سوسیالیستی کند.

اینست آموزش تاریخ بطور مشخص و مجسم! روشن است که در تاریخ چندین تا بلوی تاریخی معاصر کشور ما تنها می‌خواهیم این نتیجه را بکنیم که براتیک تاریخی اقشار و طبقات جامعه ما، در کلی ترین چهره‌ها آن، مویس آن قانونمندانه بیست که در "طرح متدیک مساله" بر شمریم. این البته یک ساخت تاریخی مشخص است که در اثنای حکم زیرین "طرح استراتژی و تاکتیک..." می‌توان و باید به آن استناد جست.

بنابراین این امر که جامعه ما طی ۴۰ سال که از انقلاب مشروطیت می‌گذرد، در بسیاری جنبه‌ها تغییرات بنیادین روبروی کرده است. جهان نیز تغییرات شگرفی را طی این مدت پشت سر نهاده و بسیاری آن دگرگون شده است. معنی این تغییرات چیست؟ در یک نگاه تاریخی، این تغییرات معنی آنست که همسرم در مقیاس ملی و هم در مقیاس بین‌المللی تناسب قوای طبقاتی و "درهم آمیختگی عناصر گذشته و آینده" بسودا هدف دگرگونی سوسیالیستی طبقه کارگر ایران دستخوش تغییرات جدی شده‌اند. نگاه تاریخی هر چند استوار و نفاذ است اما بهر حال نگاه تاریخی از دور و پرازمایه روشن است، نگاه تاریخی از نزدیک برای مشاهده شفافتر و دقیق‌تر باید به ضرورت دارد.

غلبه شیوه تولید سرمایه‌داری در کشور گرایش‌های ارتجاعی در بورژوازی ملی ایران را تحکیم کرد. دستیابی بخش‌های بزرگی از بورژوازی ملی ایران به قدرت سیاسی این گرایش‌های ارتجاعی را که عمیقاً آمیخته به سنن و اعتقادات مذهبی، کمونیسم ستیزی و شوروی ستیزی است در لایه‌های عمیق‌تری از آن تحکیم بخشیده است. البته جهان واقعیت همیشه رنگین‌تر و پیچیده‌تر از تئوری‌های ما است. گزارش هیأت سیاسی به پلنوم فروردین ۴۵ با اشاره به مواضع نیروهای سیاسی و اقشار و طبقات مختلف جامعه تا کید می‌کند که لایه‌هایی از بورژوازی ملی ایران با ادامه جنگ، با استبداد مذهبی و با حاکمیت انحطاطی روحانی مخالفتند. خواست قطع جنگ، لغو ولایت فقیه و تأمین آزادی‌های بورژوازی هم اکنون از جانب بسیاری عناصر، محافل و جری‌های بورژوازی ملی ممانعت مطرح می‌شود. طبقه کارگر نیز در تحقق این خواست‌ها دینفع است.

طرح استراتژی و تاکتیک در این جنبه‌ها با پیوستن بورژوازی نیز در برخی تحولات ملی و دگرگونی‌ها دینفع‌اند اما قادر به تحول انقلابی جامعه ما نیستند. هم تجربه انقلاب‌های هم واقعات امروز دستوری این حکم را بر روشنی‌اشبات می‌کند. در انقلاب‌های بنیان‌گذار، بخش‌هایی از بورژوازی در انقلاب شرکت کرد. اما نه برای "تحول انقلابی" جامعه ما، آنجا که خواست حصول انقلابی "جامعه مطرح می‌شدند تنها هیچ یک از جری‌های بورژوازی در دینفع از آن حضور نداشته‌اند بلکه به درجات مختلف بیم و هراس و مخالفت و کینه خود را نسبت به آن به نمایش گذاشتند.

طبقه کارگر و حزب پیشاهنگ آن در راستای تحقق اهداف خود می‌توانند در موارد معین و پیرامون خواست و مطالبات مشخص بالایه‌هایی از بورژوازی ملی که مخالف جنگ و رژیم ولایت فقیه هستند وارد انقلاب شوند. حضور رهبری پرولتری در این است که در حین بهره‌گیری شرایط را از ظرفیت‌های در دسترس ما کشور و تضاد آنان با رژیم حاکم تدابیر لازم را برای جلوگیری از کشیده شدن توده‌های خلق بسوی پذیرش رهبری این جری‌ها بکار گیرد. در واقعیت امروز مفروضات نیروهای خلق نیز کم است. برکیده‌زنده نیروهای محرکه... انقضای... در شرایط تحولات اجتماعی در هر اس از خویش توده‌های مردم، با تمام نیروی مهار جنبش انقلابی خلق کیمین نشسته و گم‌گشته‌اند، با امیرالیم و ارتجاع به بند و بست و فشار می‌کشند و سرانجام به خیانت آشکارا و انقلاب مردم دست می‌زنند. تاریخ همچنین گواهی می‌دهد که جنبش انقلابی سوسیالیستی ایران است و این واقعیت را تا بی‌پایان می‌کند که کشورها را و جامعه کشورها را سوسیالیستی کند. جنبش انقلابی ایران است و این واقعیت را تا بی‌پایان می‌کند که کشورها را و جامعه کشورها را سوسیالیستی کند. جنبش انقلابی ایران است و این واقعیت را تا بی‌پایان می‌کند که کشورها را و جامعه کشورها را سوسیالیستی کند.

همان نسبتی که سرمایه‌داری در سطح روستا‌های کشاورز کوشوراه کوشود، تجزیه طبقاتی در میان دهقانان نیز عمیق و گسترده‌تر است. پیوسته و مسخه افزایش مالکیت‌های کوچک و متوسط زمین، فزونی شمار کارگران کشاورزی و خانه‌های دهها هزار خانوار دهقانان شده است. استعمار سرمایه‌داری در کنار اشکال بهره‌کشی ما قبل سرمایه‌داری از دهقانان و زمینکاران روستا، بر شدت استعمار و سرکشی و آوارگی آنان، به معنای توده دهقانان کشاورز و پیش از پیش این نیروی اجتماعی را مستعداً اتحاد با طبقه کارگر ساخته است.

رشد سرمایه‌داری در کشور در افزایش جمعیت و ترکیب اجتماعی و اقشار رهبرانش نیز دگرگونی‌های جدی پدید آورد. میلیون‌ها دهقان و پیشه‌ور و روشنگر و بی‌خانمان ساکنان زاغه‌ها و حلبی‌آبادهای حاشیه شهرهای بزرگ هستند. شمار قابل توجهی از اینان به صفوف طبقه کارگر پیوسته و ساختار درونی طبقه کارگر ایران را دستخوش تغییراتی ساخته‌اند. کسبه و پیشه‌وران که بخش بزرگ دیگری از خرده بورژوازی شهری را تشکیل می‌دهند، پس از انقلاب بهین با لایه‌های پستی‌های جدید روبروی شده‌اند که می‌بایست مورد بررسی قرار گیرد. در میان این نیروی اجتماعی بزرگ نیز طبقه کارگر با متحدینش روبروی می‌کند. در اتحاد عمل با او در راه تحقق اهداف ملی و دگرگونی انقلاب زورمند. توده بزرگ روشنگران و کارمندان که از الزامات رشد سرمایه‌داری است، در شمار توده مردم قرار دارند. این توده بزرگ علیرغم گرایش‌های طبقاتی متضاد، در اکثریت خود، نیروی اجتماعی متحد طبقه کارگر حساب می‌آید و بی‌ویژه باید تأکید کرد که در میان جوانان متعلق به این گروه بندی اجتماعی، گرایش به پذیرش افکار ترقی‌خواهانه و پیشرو، از جمله آرمسان و رهایی بخش طبقه کارگر، گرایش بالنده و رو به گسترش است.

ما به این اقشار و طبقات بی‌شمار متحدین طبقه کارگر در انقلاب ملی دگرگونی‌های جدی پدید آورد. میلیون‌ها دهقان و پیشه‌ور و روشنگر و بی‌خانمان ساکنان زاغه‌ها و حلبی‌آبادهای حاشیه شهرهای بزرگ هستند. شمار قابل توجهی از اینان به صفوف طبقه کارگر پیوسته و ساختار درونی طبقه کارگر ایران را دستخوش تغییراتی ساخته‌اند. کسبه و پیشه‌وران که بخش بزرگ دیگری از خرده بورژوازی شهری را تشکیل می‌دهند، پس از انقلاب بهین با لایه‌های پستی‌های جدید روبروی شده‌اند که می‌بایست مورد بررسی قرار گیرد. در میان این نیروی اجتماعی بزرگ نیز طبقه کارگر با متحدینش روبروی می‌کند. در اتحاد عمل با او در راه تحقق اهداف ملی و دگرگونی انقلاب زورمند. توده بزرگ روشنگران و کارمندان که از الزامات رشد سرمایه‌داری است، در شمار توده مردم قرار دارند. این توده بزرگ علیرغم گرایش‌های طبقاتی متضاد، در اکثریت خود، نیروی اجتماعی متحد طبقه کارگر حساب می‌آید و بی‌ویژه باید تأکید کرد که در میان جوانان متعلق به این گروه بندی اجتماعی، گرایش به پذیرش افکار ترقی‌خواهانه و پیشرو، از جمله آرمسان و رهایی بخش طبقه کارگر، گرایش بالنده و رو به گسترش است.

نیروی پرتوان جوانان را سازمان دهیم!

"ما حزب آینده‌سازیم و پیوسته به نسل جوان تعلق داریم که با اشتیاق بسیار از ما و جوانان پیروی میکنند." - لنین

رژیم خمینی برای جوانان کشور ما جز مرگ و نیستی و زندگی غمناک را بر ما نرساند. دیگر میسر است که ما را از دست میلیونها جوان کارگر، زحمتکش، دانشجویان، معلمان، موز از ما محروم کند. جمهوری اسلامی به جوانان تنهایی به مثابه گوشت دم‌توب و بزاربشیرد اهدا فرماید. جوانان بیگانه را به خود میگرداند و میگوید: "آنها را تحمق و مسخ کرده‌ایم و به نسل ما می‌توانیم دست‌آورد خرافه‌ی‌فدایان را بدهیم."

جنگ بزرگترین بلائی است که بر جوانان میهن ماست. جوانان قربانیان اصلی این جنگ ارتجاعی هستند. زندگی جوانان در خارج از چنگ رژیم جنگینزورویه تنهایی است. برای آنها هیچ حمایتی از طرف رژیم نیست. از کودکان و نوجوانان - بویژه دختران - از هیچ‌گونه امکانات آموزشی برخوردار نیستند. پیش از نیمه ۴ میلیون بیگانه رونیمه بیگانه را جوانان زیر ۳۰ سال تشکیل میدادند.

رژیم می‌کوشد جوانان میهن ما بویژه دختران و زنان جوان را در درغل و زنجیر قرون وسطایی اسپر سازد. فحشا، ازدواج زودرس، حتی در میان دختران خردسال رواج میدهند. جوانان را در کج‌وخیا بسان محل کار و خانه بچرم بدحجاب می‌بندد. مورد تحقیر و توهین و یورشهای وحشیانه قرار می‌دهند. جوانان از حق تفریح و معاشرت با یکدیگر منع شده‌اند. و از حق داشتن هرگونه تشکیلی محروم‌اند.

جوانان آزادخواه و مبارز با بیگانه و سرکوب و وحشیانه رژیم خمینی جوانان را در غل و زنجیر قرون وسطایی اسپر رژیم مملو زهران جوان مبارزان است که در سیاه‌لپای قرون وسطایی شکنجه‌های فداکاری را تجربه می‌کنند. خمینی جلادها هزار جوان را به جرم آزادخواهی به قتل رسانده است. تجربه جنس انقلابی کشور ما بویژه انقلاب بهمن، شرکت فعالانه، شجاعانه و سیاسی و شورجوانان در مبارزات توده‌ای و نقش عظیم آنان را در پیروزی تحولات انقلابی نشان داده است. اکنون نیز

۱) اتحاد با طبقه کارگر در راه پیروزی انقلاب ملی و دمکراتیک ایران برزمتد. وظیفه پیشاهنگ طبقه کارگر ایران اینست که با نفوذ ایدئولوژیک سیاسی بورژوازی در میان این اقشار و طبقات با قاطعیت مبارزه کند و با اشتیاق از ترسیدها و پیش‌دازیه‌ها بی‌گانه را با اهداف دمکراتیک و سوسیالیستی خود جلب کند. این اقشار و طبقات، فاقد استقلال هستند و بسته به اینکه بگدام سمت و آورند - بسوی بورژوازی یا بسوی طبقه کارگر، بسوی آینده یا بسوی گذشته - نقش و عملکرد متضاد، ارتجاعی یا انقلابی دمکراتیک، ایفا می‌نمایند. تجربه تاریخی از جمله تجربه انقلاب بهمن می‌آموزد که به ضللت دوگانه این اقشار و طبقات باید توجه و دقت اکید مبذول گردد، لیکن ما نمی‌توانیم و نباید از خاطر ببریم که آنها بمناب توده، آماج بهره‌کشی، غارت و دشمنی لگام گسیخته امپریالیسم و طبقات ارتجاعی کشور کشورند.

وضع موجود، این توده دهها میلیونی را در معرض غارت و چپاول امپریالیسم، استثمار و ستمگری سرمایه‌داری قرار داده است. حقوقی و آزادیهای دمکراتیک و خواسته‌های عدالت خواهانه دهقانان، خرده‌بورژوازی شهری و روشنفکران خلقی، با پامال اقلیت غارتگر جامعه، کلان سرمایه‌داران و بزرگ مالکان و رژیم حامی آنان، رژیم جمهوری اسلامی است. آنچه که در ماده ۵ "طرح" تصریح شده است، یعنی:

"تأمین صلح، آزادی و حقوق دمکراتیک مردم، جدایی دین از دولت، شناسایی حق تعیین سرنوشت خلق‌ها، براندازی کلان سرمایه‌داری، بزرگ مالکی و محسوس بقایای ساختارهای ماقبل سرمایه‌داری، گسترش بخش دولتی و تعاونی و تحدید عرصه فعالیت بخش خصوصی و دیگر تیزه کردن حیات اجتماعی - اقتصادی، قطع وابستگی اقتصاد کشور به امپریالیسم، اتخاذ سیاست خارجی مترقی، عمده‌ترین وظایف ملی و دمکراتیک ایران، شمار می‌روند که می‌باید در راستای سوسیالیسم انجام پذیرند."

خواست و منافع این اقشار و طبقات خلق را برپایه واقعیت عینی زندگی آنان با زبان می‌دهد. این وحدت منافع، شالوده، عینی برای تکوین وحدت اراده طبقه کارگر و دیگر اقشار و طبقات خلق است.

طبقه کارگر ایران با رشد سرمایه‌داری، به رشد کمی و کیفی بزرگی دست یافته است. طبقه کارگر انقلابی‌ترین طبقه و پیگیرترین نیروی اجتماعی در مبارزه علیه ارتجاع و استبداد مذهبی، امپریالیسم و سرمایه‌داری است و باید متذکر این بیگانه را که این توده‌ها در راه صلح، دمکراسی، استقلال، عدالت و پیشرفت اجتماعی بوده، طبقه کارگر ایران می‌تواند و باید زیر درفش‌های بخش خود این توده دهها میلیونی را گرد آورده و بمناب رهبر انقلاب این توده‌ها، قد برافرازد و آنان را بسوی سوسیالیسم رهنمون گردد.

مقایسه انقلاب مشروطیت و انقلاب بهمن ۵۷، بروشنی موبد نقش و تاثیر قاطع بورژوازی و صف مغرور طبقه کارگر و تاثیر آن در انقلاب مشروطه و بیابان نقش تعیین‌کننده نیروی طبقه کارگر در انقلاب مشروطه در انقلاب بهمن ما شاهد بودیم که علیرغم ضعف پیشاهنگ طبقه کارگر ایران، خواسته‌های عدالت خواهانه کارگران تا چه پایه در شمارهای انقلاب را می‌افتاد.

خواه‌ده و وفا میل و محل زندگی با نیروهای جوان در ارتباط هستند. این ارتباطات، امکان‌ها بزرگی را فراهم می‌کند و در عین حال به دست کم گرفته شود. فعال کردن و گسترش دادن ارتباطات فزونی، از حلقه‌های مقدم گسترش فعالیت انقلابی در میان جوانان است.

یکی از مهمترین جنبه‌های گسترش فعالیت انقلابی در میان جوانان، تحکیم و تقویت سازمان جوانان پیشگام ایران است. پلنوم وسیع سازمان این امر را وظیفه می‌داند. پلنوم هم‌فدا نشان خلق را دست‌و‌پایه‌ها و هواداران تا کید کرده است. تقویت و تحکیم سازمان جوانان پیشگام، اساسی و سازمان‌دهی جوانان هواداران را زمان وظیفه‌ای است. فوق‌العاده مهم و سرنوشت‌ساز است. انجام آن به تلاش بی‌کینه همه ما بستگی می‌یابد."

حلقه مهم‌دیگر جهت تقویت و تحکیم سازمان جوانان، رسانیدن نشریه "پیشگام" به جوانان است. نشریه "پیشگام" بعنوان بیگانه‌نشریه جوانان انقلابی که در کشور بخش می‌نماید، وسیله موثر گسترش نفوذ سیاسی و کار سازمان در میان جوانان میهن ما است. فداشانی خلق باید کمک‌های ممکن را برای بخش و توزیع هر چه گسترده‌تر "پیشگام" انجام دهند. تکثیر و بخش‌گسترده اعلامیه‌ها و تراکت‌های پیشگام در محافل دانشگاهی، مدارس و دیگر مراکز جوانان برای گسترش نقش و نفوذ پیشگام بویژه در جنبش دمکراتیک - توده‌ای دانشجویی و دانش‌آموزی، نقش جدی و کلیدی دارد. تشکیلات سازمان ما در برابر این انجام این مقصود جوانان پیشگام را یاری دهد.

در شرایط فعلی مهمترین گام در تقویت سازمان جوانان پیشگام، کمک به سازمان‌دهی جوانان فداکاری و انجام مساعده‌های لازم جهت برقراری و تقویت پیوند شبکه جوانان با رهبری سازمان جوانان پیشگام ایران است. گروه‌های سازمانی باید با عمل نظارت و هدایت فعالیت‌های سازمانی و سیاسی گروه‌های جوانان بویژه بصورت مراقبت و آموزشی سیاسی سازمانی آنان را بسازد و مشاورت سیاسی لازم نیست به آنان، جوانان پیشگام را یاری کنند تا بتوانند مستقلاً نیروی با‌خوش با‌بیست‌سدو شبکه‌های سازمانی و فعالیت انقلابی خویش را در میان جوانان کشور گسترش دهند و تحکیم کنند.

شهادتی نبود که مهندس بازرگان، این سرشناس‌ترین رهبر بورژوازی لیبرال ایران با نفرت و هراسی پوشیده اعتراف کرد، "کلوز رژیم شاهنشاهی بهلوی در جنگ کارگران ایران فشرده شد." این ارزیابی از نقش و مقام طبقه کارگر ایران، که شرایط عینی جامعه، آنرا برانداخته نماینده بورژوازی لیبرال ایران تحمیل کرد، در پرتو رزم خستگی‌ناپذیر حزب پیشاهنگ آن میتواند و باید با شعور و خود آگاهی طبقاتی کارگران عین‌گردد. توده‌های خلق را از کشیده شدن بدشال بورژوازی رها سازد و آنان را بسوی پیروزی قطعی و نهایی انقلاب ملی - دمکراتیک رهنمون گرداند.

آری مساله همچنین اینست: فرجام انقلاب منوط آنست که آیا طبقه کارگر نقش همدست بورژوازی را بازی خواهد کرد، همدستی که از لحاظ نیروی تعرض علیه حکومت مطلقه، توانا و ولی از لحاظ سیاسی نا توانست با اینکه نقش رهبر انقلاب توده‌ای را (و لنین) (و ا. ک. لنین) توده‌ای را:

"طرح" ملا می‌دهد: سازمان ما با تمام قوا در راه تأمین رهبری پرولتاریا در انقلاب ملی و دمکراتیک ایران بمنابنده اساسی‌ترین وظیفه استراتژیک خود مبارزه میکند. ما از هدف سوسیالیستی خود گامی به عقب نمی‌گذاریم بلکه از سر راست‌ترین و جنبش‌ناپذیرترین و کوتاه‌ترین فاصله به سوی آن راه می‌سازیم. یعنی از طریق مبارزه برای استقرار حاکمیت انقلابی خلق. برپایی حاکمیت انقلابی خلق "البت" فقط یک وظیفه گذرنده و موقتی است. اما این از اهمیت اساسی آن نمی‌کاهد. وقتی سخن از انقلاب ملی و دمکراتیک مردم ایران است، هرگونه بی‌اعتنایی به این هدف، پیروزی انقلاب سوسیالیستی را بیشتر به تسویق خواهد انداخت."

- فهرست منابع
- ۱- و. ای. لنین، دوکتا کتیک ...
 - ۲- و. ای. لنین، درباره دیالکتیک و اکتیویسم.
 - ۳- اسناد جلسات مشاوره احزاب کارگری و کمونیستی ۵۷-۶۰-۶۹
 - ۴- و. ای. لنین، دوکتا کتیک ...
 - ۵- و. زاگلابین، نخستین انقلاب خلقی دوران امپریالیسم
 - ۶- و. ای. لنین، مجموعه کامل آثار، جلد ۱۱
 - ۷- ب. ای. کودال، مجموعه کامل آثار، جلد ۲۵
 - ۸- و. ای. لنین، مجموعه کامل آثار، جلد ۲۱
 - ۹- و. ای. لنین، دوکتا کتیک ...
 - ۱۰- اسناد جلسات مشاوره احزاب کارگری و کمونیستی
 - ۱۱- برنامه حزب کمونیست اتحاد شوروی (ویرایش‌نویس)
 - ۱۲- و. ای. لنین، دوکتا کتیک ...

مبارزه علیه اخراج، جنگ و رژیم جنک طلب ها کمراکه در ماه ۲۶ کار مورد تاکید قرار گرفت. در سازماندهی مبارزه کارگران ایران ناسیونال علیه اخراج و جنگ، بطور مشخص بکارگرفتند. علاوه بر آن، کارگران پیشرو و فعالین کارگری باید با تلاش بی وقفه خود به توده کارگران ایران ناسیونال اطلاعینا دهند که کارگران همه و احدها در مبارزه شان علیه با زخیرید اخراج پشتیبان آنها هستند. زیرا اخراج مسئله همه کارگران است. همچنین، فعالین پیشرو باید از هر طریق ممکن (اعلامیه، تراکت و...) حمایت کارگران واحدهای دیگر را نیز توده مردم زحمتکش را نسبت به مبارزات کارگران ایران ناسیونال جلب کنند.

باید به توده کارگران توضیح داد که با زخیرید چه عواقبی در بر دارد. باید برای آنها که هنوز در تردید هستند توضیح داد که با زخیرید همه اخراج است، مبارزه با زخیرید در اصل مبارزه با زخیرید است، زیرا با کارگری سرام آوارزاق، بزودی دست شان تپتی خواهد شد و آنها مجبور خواهند شد بخاطر فشار اقتصادی راهی جبهه ها شوند. فعالین کارگری باید از هر مکانی که برای فضای طرح های توطئه گرانه رژیم و تشویق کارگران به مبارزه جمعی و متشکل فراهم می آید استفاده نمایند. آنها باید با استفاده از هر تجمع برای توده کارگران صحبت کنند و نگذارند خطر زیاد اخراج، فعالیت تبلیغی و سازمانگرای آنها را فایده مند کند. کارگران پیشرو و هسته های مخفی کارگری باید از همه امکانات لازم برای بسیج سازماندهی تحمن و اعتبار در کارخانه و نیز مزاج را تجمع و تجمع در وزارت کار برای احقاق حق خود مبارزه کنند.

فعالین کارگری با این چشم انداز باید توده داشته باشند که در صورت باطل شدن اعتراضات در ایران ناسیونال سازماندهی آنها را چنانچه این حرکت بتواند در ارتباط با کارگران واحدهای همجوار تنظیم شده و همبستگی و حمایت آنها را برانگیزد، در آن صورت تبدیل تحمن در کارخانه به راه بندگان جاده مخصوص و تجمع در آن، بعنوان یک تاکتیک تشریحی برای احقاق حقوق خود، بهیچوجه متعصبی نیست. در آن صورت چنانچه کارگران پیشرو شعارهای مبارزاتی خود را پیش از این با سطح تجربه و حرکت توده ای کارگران پیش برند، یک پیروزی بزرگ نه تنها برای کارگران ایران ناسیونال بلکه برای کل جنبش کارگری ما بدست خواهد آمد.

را انتخاب و تفکیک خواهد کرد. مدیریت با استفاده از تکنرانی کارگران نسبت به انتقال خود به سیاه و ارتش، تلاش کرد که کارگران بیشتری را مجبور به

اخراج ۸ هزار کارگر ایران ناسیونال

بذیرش فرم با زخیرید نماید. با این ترتیب، به تدریج در حدود ۸ هزار کارگر را مجبور به ترک کردن فرم با زخیرید کردند. بیش از ۵ هزار کارگر با قیما نده علییر غم فضا ر مدیریت در اثر اخراج، مقاومت می کنند. مدیریت گفته است که تنها به ۱۷۰۰ نفر از کارگران زیره سال احتیاج دارد. بقیه باید اخراج شوند. کارگران بخش بی. ال. بی. حاضر به ترک کردن فرم نشده اند. کارگران بخش های دیگر، واکنش های اعتراضی مختلفی نشان میدهند. رژیم برای خاموش کردن اعتراضات محیط کارخانه را با نیروهای سرکوبگر، سپاه، گمبینه، بسیج و حراست پر کرده است. فدائیان خلق (اکثرت) در فضای سیاست با زخیرید جاری کارگران را چگونگی ایستادگی آنها اعلامیه ها و تراکتها بی در میان کارگران ایران ناسیونال و نیز در محلات و مناطق کارگری تهران بخش کردند که عنوان آن چنین بود: "متحد و یکجا رجه علیه توطئه رژیم برای با زخیرید، انتقال و اخراج کل کارگران، بی خیزید!".

تجربه ایران ناسیونال یکبار دیگر نشان داد که کارگران تا زمانی که هنوز شکل صنفی مستقل خود (اعراض صنفی) را ندارند، قادر نیستند از حقوق صنفی خود دفاع کنند. اعطاء هواداران سازمان کارگران پیشرو هسته ها و محافل مترقی کارگری باید این نکته مهم را در نظر داشته باشند که با توجه به اهمیت کارخانه ایران ناسیونال، در صورتیکه رژیم موفق شود توطئه با زخیرید را با موفقیت به اجرا در آورد، در سایر واحدهای صنعتی نیز همین سیاست را چه بسا با دست باز تر به اجرا در خواهد آورد. مدیران واحدهای صنعتی دیگر بویژه کارخانجات غرب تهران منتظر نتیجه کار ایران ناسیونالند. همینطور، چشم کارگران همه واحدهای که در وضعیت مشابه قرار دارند نیز کارگران واقع ایران ناسیونال است. تمام تلاش پیشروان کارگری باید متوجه این باشد که مانع عقب نشینی بیشتر ایران ناسیونال نشود. این امر برای کل جنبش کارگری جاری در مبارزه علیه اخراج، جنگ و رژیم خمینی حائز اهمیت است. کارگران پیشرو باید همواره توده های مربوط به

رژیم صدمه می خمینی تمام فضای فضا را بر سر انضام دی و جنگ را بردوش کارگران و زحمتکشان کشور انداخته است. تهدید بحران و ادامه جنگ، بسیاری از کارخانجات را بحالت تعطیل و یا نیمه تعطیل درآورده و طبق اعتراض خود مفا مارت، رسته ها می مانند صنایع خودروسازی، نساجی، کارخانجات تولید و سایر صنایع و بخشی از واحدهای شیمیایی در آستانه تعطیل قرار گرفته اند. نه تنها کارگران روز مزد و بیمانی، نه تنها کارگران ساده و نیمه ما هر، بلکه حتی کارگران فنی و پرباقه صنایع نیز گروه گروه اخراج می شوند. رژیم درمداست سیاست با زخیرید اجباری با اخراج را وسیعاً به اجرا در آورد.

با زرتین نمونه اعمال این سیاست، اخراج ۸ هزار تن از کارکنان ناسیونال است که در مقابل همه حاضر به بررسی آن میپردازیم: کارخانه ایران ناسیونال (ایران خودرو) که ۱۳۵۰۰ کارگر را بمنت دارد، در ارتشید بحران آری رژیم، از اوائل اسام تولیدش مختل شد. نخستین اخراج وسیع کارگران در ۲۵ فروردین انجام گرفت. به ضمن آن ۱۸۰۰ کارگر با صنایع اخراج شدند. میرخانی مدیر کارخانه در یک سخنرانی برای کارگران در ۱۷ فروردین، سه ماهه با زخیرید شدن اجباری کارگران را "ادولطانه" خواند. او گفت: "از میان آن عده از کارگرانی که تمایل دارند در کارخانه بمانند، بخشی بعنوان پرسنل کارخانه جدا کرده و بقیه را به ارتش، صنایع دفاع و... میفرستیم". هفته بعد به تمام کارگران فرم تقاضای با زخیرید داده شد. به دنبال آن مدیریت مهلت را تا ۱۶ تیرماه تمدید نمود که تقاضای "با زخیرید و طلبانه" را برکنند. در تیرماه، رژیم از میان آن بخش از کارگرانی که در آستانه اخراج بودند ۷۰۰ نفر را با جبارو با جبهه با کرد. کارگران دیگر با وجود آنکه از این حرکت شدیداً ناراضی بودند، به سبک پراکنده و پنداشتن شکل نداشتند. دست به سبک اعتراض جمعی و متشکل بزرگ، اما در این حال به اتمام حجت مدیریت در مورد ترک کردن فرم با زخیرید تا ۱۶ تیرماه نیز کردن ننهادند. مدیریت کارخانه، اطلاعیه ای صادر کرد مبنی بر اینکه ۳۳۸۹ طلب برای امروز بر مورد دنیا زاست: ۲۵۰ نفر برای انتقال به صنایع دفاع در شهر مختلف، ۱۵۰۰ نفر برای پشتیبانی ارتش و سپاه، ۲۸۹ نفر برای کار در قسمت ریخته گری. این اطلاعیه کارگران را تهدید کرده بود که چنانچه "ادولطانه" نشوند، سربستان به تشخیص خود، کارگران مورد نیاز زخیرید را بکار خواهد کرد. هر که در رفتن سلامتی از طریق زدن غلام با شتاب بیدار شود، فاصله دوری از محل قرار و با فاصله زمانی کمی قبل از قرار زده شود. علاوه بر غلامت سلامتی، انتخاب محل مناسب، توجه مناسب برای اجرای فرار، چک کردن محل قرار از راه دور و اطمینان از نبودن پلیس در محل و با لور رفتن فرار و از لوازمات جدی و خنثی اجرای قرار است. جرم و ارتدادی و استثنای که قرارها با وسیله نقلیه انجام میگیرد، در مواردی و معمولی مطلقاً نباید با وسیله نقلیه شخصی، بویژه اتوموبیل شخصی به محل قرار رفت. در صورت عدم اجرای اولین قرار، با سبک قرارها تراک جدی تری دیدوتنها در صورت اطمینان از سلامتی رفیق، با سبکی قرار دیگر را اجرا کرد. در بسیاری موارد لازم است که قرارهای حساس با کنترل از راه دور توسط کوبل انجام شود.

چند تذکر مهم برای استفاده از تلفن

تلفن و سایر وسایل ارتباطی اهمیت بسیار زیادی در مبارزه برای استفاده از تلفن، برای وسایل می تواند ندره موثری برای ردگیری و مراقبت از انقلابیون و درهم شکستن تشکیلات توسط دشمن باشد. تلفن های ارتباطی بهیچوجه نباید در محل کار و اسکان مسئولین و سایر کارها و امکانات مخفی سازمانی باشد. زمان استفاده از تلفن باید تا حد امکان کوتاه باشد. (حد اکثر یک تا دو دقیقه)

حتماً مکالمات با ظاهری عادی و توجیه طبیعی (یعنی با کلمات و رمزهای قراردادی گرفته شده از کار روزندگی عادی روزمره) باشد. تلفن های یاد دل به خارج عمدتاً توسط رژیم مستبد کنترل میشوند. رفقای حرفه ای جرم و ارتداد استثنای قرار و قراردادی نباید مستقیماً به خارج تلفن کنند. این رفقا در موارد استثنای یاد از امکانی که احتمال ردگیری از آن امکان ها منتفی است به خارج تلفن کنند، بهیچ صورت بهتر است که از طریق رابط اقدام نمایند.

توجه کنید که تلفن های ارتباطی در خارج کشور با سبکی برای پلیس لور رفتن فرم شوند و با توجه به این امر باید جهت تماس اقدام کرد. در تماس، بویژه تماس با خارج کشور با سبکی متوجه ما پلیس در سیر ارتباط بود و غلامت رفقا را جدا جدا رعایت کرد. اکثر تشکیلات تا به تمام نامه های بستی به خارج کشور توسط رژیم خمینی کنترل میشوند مطلقاً نباید بطول تشکیلاتی ورود را از طریق نامه درجود کند. جوهر های نامرئی ساده از قبیل آلبوم و غیره برای پلیس شناخته شده است. پلیس احتمالاً با سبکی در اختیار ردا در کدها و ظاهر کردن نامه از مطلع شود. از این روی پلیس که در اختیار دارند، مطلقاً نباید نامه حتی با جوهر های نامرئی معمولی فرستاده شوند. بر او مولی آن است که مطالب ردا را بر مزوسا استفاده از جوهر نامرئی نوشته شوند.

ارتباطات و امکانات در مواقع اضطراری

حفظ ارتباطات منظم، سریع و حساب شده شاره حیاتی هر تشکیلات انقلابی است. این امر بخوما هنگامی که پلیس منا درت به یورش به تشکیلات میکند نقش و اهمیت بیشتری پیدا میکند. برای جلوگیری از قطع ارتباطات و یا درهم شکستن امور در مواقع اضطراری، رفقای مسئول میبایست از قبل برای اینگونه لحظات طرح های مناسبی تهیه کرده و وظایف کارها و اعضای تحت مسئولیت خود را دقیقاً

در شرایط کنونی علاوه بر آنکه رژیم به کنترل شهرها از طریق افزایش کشت های شهری، با زوری های بدنی، بستن کلوگا ها، کنترل اتوبوس ها و غیره افزوده است، فرودگا ها و ترمینالها و ایستگا های قطار را نیز کنترل بیشتری میکند. کنترل مرزها افزایش یافته است. انتقال مطالب ازین طریق باید سبکی اینکارات و خلاقیت های جدیدی سازمان داده شوند. نمونه ها: از جاسازی سبکی گذشته توسط پلیس کشف گردیده اند. در امر جاسازی با بدکشید که حد اکثر نواری و خلاقیت بکار گرفته شود.

برای متوقف کردن سیل اخراج، علیه جنگ بسیار بزرگ کارگران مبارز!

چشمی برای ادامه جنگ، کارخانجات را تعطیل و کارگران را گروه اخراج میکنند. با زخیرید و اخراج از ندهد، به فرامتن با جیبین با زخیرید دل نمیدهد. متحد و یکجا رجه در برابر این توطئه با سبکی، در مقابل وزارت کار اجتماع کنند. کمیته های اعتماد و تحمن در کارخانه ها سازمان دهند. با کارگران واحدهای دیگر ارتباط بگیرند و امتسراسر از خود را هماهنگ کنند.

کارگران مبارز و آگاه!

از هرگونه جنگ به جبهه امتناع کنید، به جبهه نروید. بسسرای متوقف کردن سیل اخراج، با به جنگ را متوقف کنید.

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثرت)

چشمی برای ادامه جنگ، کارخانجات را تعطیل و کارگران را گروه اخراج میکنند. با زخیرید و اخراج از ندهد، به فرامتن با جیبین با زخیرید دل نمیدهد. متحد و یکجا رجه در برابر این توطئه با سبکی، در مقابل وزارت کار اجتماع کنند. کمیته های اعتماد و تحمن در کارخانه ها سازمان دهند. با کارگران واحدهای دیگر ارتباط بگیرند و امتسراسر از خود را هماهنگ کنند.

چشمی برای ادامه جنگ، کارخانجات را تعطیل و کارگران را گروه اخراج میکنند. با زخیرید و اخراج از ندهد، به فرامتن با جیبین با زخیرید دل نمیدهد. متحد و یکجا رجه در برابر این توطئه با سبکی، در مقابل وزارت کار اجتماع کنند. کمیته های اعتماد و تحمن در کارخانه ها سازمان دهند. با کارگران واحدهای دیگر ارتباط بگیرند و امتسراسر از خود را هماهنگ کنند.

کنکور در جنگ ارتجاع در خدمت جنگ

در کنکور امسال دانشکده‌ها بیش از ۵۸۰ هزار نفر شرکت داشتند که در برابرین خیل عظیم دا و طلبیین، کل ظرفیت پذیرش در دانشکده‌ها ۴۲ هزار نفر بوده است. لیکن رژیم خمینی همین امکان و شانس اندک ورود به دانشکده‌ها را نیز از انتمه گسوان ترک کنندگان در کنکور گرفته است.

اختصاص بخت بزرگ ظرفیت پذیرش در دانشکده‌ها به سهمیه‌های گوناگون مقرر شده از جانب رژیم، در عمل کمترین امید برای ۵۸۰ هزار دا و طلب بود به دانشکده‌ها نمی‌بخشد. در برابر آورده‌ها و ده‌ها هزار جوان مستعد و باسواد و مشتاق آموزش عالی، دانشکده‌های کشور از زبانی و باسواد و جاکوش - زودور و جاسوسان سهمیه‌های در ارتجاع و نوجوانان سهمیه‌های وابسته به رژیم و آنها بیگانه با عده قبولی در دانشکده به جبهه‌های مرکز رهنمای می‌شوند، انسان‌هایی که جرسیمه‌های با اندیشه در تقویت آن میزان از ظرفیت دانشکده‌ها نیز که برای قبول شدن در امتحانات ورودی (کنکور علمی) باقی می‌ماند، با سبزه‌های خواندنیش عقابیدگی‌های زکینش و با اوک رژیم بگذرد.

در این قسمت نیز بسیاری از افراد دایق و مستحق ورود به دانشکده‌ها به بیگانه‌ها انواع آنها مات و غسراض سیاسی و تکنیتی "اجازت ورود به دانشکده‌ها را نمی‌بند. ملاکتی علمی پذیرفته‌شدگان و علا و بهبه ابطار خود سوزان رژیم امری ناشی و محسوب می‌شود. رژیم جیل و جنبانیت با این ترتیب مخرب ترین و بزرگترین ضربه را به آموزش عالی کشور وارد می‌کند. تا نبرات نزول فاجح سطح و پذیرفته‌شدگان سالهای گذشته در حیات آموزشی دانشکده‌ها، به روشن ترین وجهی کویای این کیفیت تلخ است. کیفیت علمی دانشکده‌ها در رژیم خمینی با سبزه‌های مستحق و نا زارتجاع گردیده‌اند ما حیاتنا و تر و ترفیع نسر ار شده‌اند که خمینی دانشکده‌ها را به طعمه و وسیله نگار جوانان برای اعزاز به جبهه‌های جنگی بازگشت مبدل ساخته است. برای کنکور امسال اعلام کرده‌اند که بهترین شانس قبولی متعلق به "زمنندگان" است. انواع امتیازات و سبزه‌های متفاوت برای کسانی که حاضرند در در راه رژیم جنگند در نظر گرفته شده است.

سهمیه‌های گوناگونی که رژیم از ظرفیت محدود پذیرش دانشکده‌ها به خود اختصاص داده است و معیارهای ارتجاعی کنکور و تقییش عقابیدگی کم بر کینش دانشجو، طایفه‌های گذشته موضوع حدی اعتراف و مبارزه مدعا هاراد و طلبی و ورود به دانشکده‌ها و بستگان آنها و ناسوجیان و دانش آموزان کشور بوده است. بنسبک جدید کنکور به امری برای کشاندن جوانان به جبهه‌های مرکز سبزه‌های قدرت و اعتراف از آنان و همسه مردم کموری می‌شد.

تهاجم ترکیه به انقلابیون کرد

در اوایل ماه گذشته خبرگزاری هاگزاره دادند که ارتش تجاوز ترکیه در عقب مبارزات خلق کرد ترکیه وارد خاک عراق شد و به عملیات نظامی علیه نیروهای مستقر در منطقه دست زد. چند روز بعد از این عملیات، پارلمانی فرمایشی ترکیه لایحه اوزال نخست وزیر ترکیه را که یک ماه پیش از آن به پارلمان ارائه شده بود به تصویب رساند. این لایحه به ارتش مزدور ترکیه اجازه می‌دهد که برای تقویت و سرکوبی مبارزان کرد ترکیه بدخل خاک عراق وارد شود و عملیات سرکوبگری خود را در آنسوی مرز ادامه دهد.

اقدامات و عملیات ارتجاعی ترکیه در پی مذاکرات و توافق‌هایی که میان دو رژیم ترکیه و عراق در چندین ماه پیش صورت گرفته به اجرا درآید. در پیگسار اخیر برخی عملیات در نوار مرز داخل خاک عراق صورت گرفته است. ما مورد اخیر ابعاد تجاوزگرانه گسترده‌ای داشته است.

رژیم مرتجع سرکوبگری عراق که تا کنگلو در جنگ با رژیم جنایتکار خمینی غوطه می‌خورد و بهیچ وجه قادر نیست با انقلابیون سرکوبشده نیروهای ترقیخواه عراقی در مناطق شمالی کشور به مقابله بپردازد، با دادن اجازه مداخله به رژیم وابسته ترکیه، می‌کوشد خیال خود را از انفجار انقلابیون و کمونیستهای عراق راحت کند. از طرف دیگر رژیم مزدور ترکیه که عضو پیمان تجاوزگر نظامی ناتو است، خواهان کسب نقش و موقعیت "مناسبی" است. تا هم میدان نا نور و تا شیر خود را گسترش دهد و هم بتواند با دست با زتری به مقابله و سرکوب مبارزان خلق کرد ترکیه بپردازد. در نتیجه برای انقلابیون و رژیم مستعدان عراقی در مناطق شمالی و نزدیکی مرز عراق و ترکیه مشکلات و خطراتی تازه پدید آمده است.

آنچه که در این میان جلب نظری کشنده، موضع گیری رژیم خونخوار جمهوری اسلامی نسبت به عملیات نظامی اخیر ترکیه است. سخنگوی وزارت خارجه رژیم اسلامی ناخشنودی رژیم را نسبت به عملیات ترکیه در شمال عراق ابراز داشت. این در حالی است که جمهوری اسلامی همسایه رژیمهای ترکیه و عراق می‌کوشد تا هرگونه صدای آزادی خواهانه و حق طلبانه در کشور را با سببیت و وحشی‌گری بیمانند سرکوب کند و حقوق مسلم ملیت‌های ساکن کشور و بیطور مشخص خلق کسرد میهن مان را با میلیتاریزم کردن گردستان، کشتار و بمباران مناطق کردنشین و اعدام شکنجه مبارزان کرد و توده های مردم، زیر پسا کشد.

توافق‌های ارتجاعی دو رژیم عراق و ترکیه و استمرار عملیات نظامی ترکیه در خاک عراق بی آمدهای خطرناکی در منطقه خواهد داشت. مقابل به این تجاوزگری و افشاء اهداف و مقاصد فذخلقی رژیم ترکیه، یک وظیفه جدی و میسر است. بدون شک همکاری انقلابیون ترکیه و ایران و عراق در افشاء و مقابله با این توطئه‌ها نقش مؤثرتری دارد. ما همه اقدامات نیروهای انقلابی و مردمی ترکیه و عراق در مقابل به این توطئه قویا حمایت می‌کنیم و این را امر مشترک نیروهای مردمی به کشور میدانیم.

دفاع از صلح ...

کنفرانس نشان داد که "تهاجم ملخ" تجماد شوری و دیگر کشورهای سوسیالیست در تمام قاره‌ها و در بین تمام نیروهای صلح دوست ریشه‌ها شده است. تقویت مواضع صلح طلبانه جنبش غیرسرمته‌ها، یک پیروزی برای نیروهای صلح دوست و یک شکست برای نیروهای جنگ طلب بود.

در سخنرانی سران کشورها در گردهمایی باره به مسئله افریقای جنوبی، تجاوز آمریکا به لبیبی و نیگاراگوئه و برقراری نظام اقتصادی نوین در سطح جهانی و به سایر مسائل حا دیانی پرداخته شد. فیدل کاسترو گفت نیگاراگوئه حق دارد در برابر تجاوز آمریکا از خود دفاع کند. وی از پیش نهاد نیگاراگوئه برای برگزاری نهمین اجلاس سران غیرمتمه‌ها در سال ۱۹۹۹ در مانگوا اعلام پشتیبانی کرد. کاسترو در رابطه با بدهی‌های کشورهای در حال رشد، گفت که صندوق بین المللی پول به "ژاندارم مالی" امپریالیسم تبدیل شده است. متکیستوها یل ماریم رهبر سرخسپوی سیاست کشورهای غربی نسبت به افریقای جنوبی را در خدمت ادامه حیات نژادپرستی خواند. وی گفت مبارزه میهن پرستان افریقای جنوبی، به نقطه‌ای رسیده است که دیگر بازگشت از آن ممکن نیست.

رابرت موگابه در آخرین کنفرانس مطبوعاتی لیستی از اقدامات تجاوزگرانه آمریکا علیه کشورهای غیرمتمه‌ها از زمانیکه ریگان قدم به کاخ سفید گذاشته است، ارائه داد: تجاوز به کرانادا، حمله به لبیبی، حمایت از خرابکاری دستخا فذ انقلابی یونیتا علیه مردم آنگولا، پشتیبانی از "کنتراس" ها علیه مردم نیگاراگوئه و دخالت در السالوادور.

در پایان اجلاس، بیانیه سیاسی کمیته در حقیقت مهم ترین سند گردهمایی بود، به تصویب رسید. در این سند مواضع جنبش نسبت به "مبارزه با امپریالیسم، استعمار و نواستعمار، برتری طلبی، تجاوز، اشتغال خارجی، نژادپرستی، صهیونیسم، مداخله جویی و اعمال فشار" اعلام شده است. بیانیه سیاسی از برنامه زمانبندی شده اتحاد شوری برای خلق صلح هسته‌ای و تمدنیه مهلت یکجانبه اتحاد شوری در قطع آزمایش‌های سلاحی هسته‌ای حمایت کرده و خواستار توقف تولید و استقرار سلاح های هسته‌ای و شیمیایی و ایجاد مناطق عاری از سلاح های هسته‌ای شد.

بیانیه، نژادپرستی را متشاء بحران در جنوب افریقا و شیمیایی جدی علیه صلح جهانی دانسته و حمایت سیاسی، اقتصادی، دیپلماتیک و نظامی دولت‌های غربی از رژیم افریقای جنوبی را محکوم کرد. بیانیه از رژیم نژادپرست افریقای جنوبی خواست که نیروهای خود را از مناطق اشغالی آنگولا عقب بکشد. بیانیه کشورهای غیرمتمه‌ها، حمایت آمریکا از دستخا خرابکار "اونیتا" را محکوم کرد. سران کشورهای غیرمتمه‌ها در بیانه خواستار آزادی بی قید و شرط نلسون ماندلا شدند. در بیانیه نسبت به اقدامات تجاوزگرانه آمریکا علیه مردم نیگاراگوئه ابراز نگرانی شد و از تلاش کشورهای مسموم به گروه "کنترادورا" و گروه "لیما" قدر دانی شد.

در هشتمین اجلاس جنبش غیر متمه‌ها با بیکار برحق مردم فلسطین به رهبری "تاف" اعلام همبستگی شده است. شرکت کنندگان در اجلاس، حمله آمریکا به لبیبی را شدیداً محکوم کردند. در این اجلاس، پیرامون قطع جنگ ایران و عراق موضوعی به تصویب رسید. در بخش از این موبه گفته شد: "سران کشورها و دولت‌ها باید دیگر از ایران نوعاً ق درخواستی نمی‌مانند به منظور جلوگیری از ادامه تلفات جانی و خسارات مالی، دست از محاصره بردارند." خامنه‌ای که در کنفرانس برادامسه خوشریزی پای می‌فشد، موبه کنفرانس را سپر امون جنگ ایران و عراق را "غیر قابل قبول" اعلام کرد.

بقیه از صفحه اول

کمیته انقلاب اسلامی، ژاندارم، شهریانی جمهوری اسلامی ایران موظفند مشمولان غایب ... را شناسایی و دستگیر نمایند. (ماده ۱۹۹) و "ما موریان انتظامی مکلفند کلیه اماکن عمومی را قبضیل هتل ها، مهمانخانه ها، کارزارها، سینماها و ترمینال‌های اتوبوس رانی، پارکها و اماکن‌های ورزشی را زیر نظر داشته باشند تا مشمولین ... را شناسایی و دستگیر نمایند." (ماده ۲۰۴)

بدین ترتیب رژیم خمینی تمام مزدوران و سازمانهای دولتی خود- حتی پلیس راهنمایی- را برای کنترل جوانان ۲۷ - ۱۸ ساله بسیج کرده است تا از میان آنان خمینین و سربازان فراری را برای کشته شدن به جبهه بفرستد. در اجرای همین قانون مزدوران رژیم بنا گاه چهارراهها و گذرگاهها را از چند سو می‌بندند، در کمینگاههای مترقبه مزارع کینند، به منازل، سینماها، سینماها، زمین‌های ورزشی، کرمانه های عمومی، مسافرخانه‌ها، ترمینال‌ها و پارک‌ها بورش می‌برند تا جوانان

حمایت اتحاد شوروی از اوپک

دستمال توافق کشورهای عمو اوپک در سیدهم بردارده‌ها گذشته، میسی برکات روزانه ۴ میلیون بنگه نفت، اتحاد شوروی اعلام کرده طی ماههای سینامر واکتبر، صادرات نفت خود به اروپای غربی را روزانه ۱۰۰ هزار بنگه کاهش میدهد.

اندام اخیر اتحاد شوروی در پشتیبانی از تصمیم اوپک و متفانه آن با سواکت امپریالیستی کاخ قیسمت‌های نفت صورت گرفته است. توافقنامه اوپک و حمایت اتحاد شوروی و برخی دیگر از کشورهای غیر عضو اوپک مثل جمهوری خلق چین از طریق کاهش صادرات نفت خود موجب شده است که روند نتایبان سقوط قیمت‌ها موقت شود. ماه گذشته قیمت هر تنگه نفت پس از مدتها به حدود ۲۰ دلار افزایش یافت. در پی این تحولات دولت روز سر- که همراه با انگلستان با کاخ قیسمت تصمیمی نفت شمال عملا مویات بحران اخیر تصمیمی نفت را بسود انحصارات نفتی فراهم آوردند - صادرات نفتی خود را به مقدار ۵۰ درصد تقلیل داد. این تصمیمات باعث نارضایتی و خشم شدید دولتهای آمریکا و انگلستان شده است.

آمریکا و انگلستان کماکان سیاست امپریالیستی کاخ قیسمت را، که هدفش غارت نفت کشورهای نفت خیز جهان با بهایی نازل و ناچیز است، دنبال میکنند. دولتهای آمریکا و انگلستان و سایر کشورهای امپریالیستی بنا به خواست کمیاب نیهای عظیم نفتی با اعمال فشارها و کوناکون سیاسی و اقتصادی و توطئه و کارکنی و ایجنسادهای نفتی بوزنه در اوپک می‌کوشند. موفقیت‌های اخیر کشورهای اوپک و سایر کشورهای نفت خیز را سعی اثر کرده و باعث رفتی قیسمت‌ها شوند.

در چنین شرایطی، تصمیم اتحاد شوروی منتهی برکات صادرات نفت خود به اروپای غربی، اهمیت بزرگی دارد و نتا سه دیگسری از حمایت و دفاع آن از منافع مردم کشورهای در حال رشد در برابر غارت انحصارات امپریالیستی است.

اخبار کارگری

اعتصاب در کارخانه ریساباف اصفهان

کارگران کارخانه ریساباف اصفهان در اعتراض به کسر حقوق و مزایای خود دست به اعتصاب زدند. در این کارخانه، کارگران یک شیفت به جبهه اعزام شده‌اند و تولید در شیفت ۱۲ ساعته جریان دارد. مدیریت اعلام کرده بود که باید مبلغ ۱۰ هزار ریال حقوق کارگران کسر شود تا حقوق کارگران اعزامی به جبهه تا حد کافی برسد. در اعتراض باین تصمیم گستاخانه، بطوریکه باره دست به اعتصاب زده و از حق خود دفاع کردند. انجمن اسلامی، بسیج کارخانه و عوامل سرکوبگر سپاه از همان آغاز اعتصاب با کارگران معترض درگیر شدند.

فدائیان سازمان مادر جریان این اعتصاب، اعلامیه ای در میان کارگران توزیع کردند و طی آن ضمن افشای مذبذوبیت و سیاستهای ضدکارگری رژیم، کارگران را به حفظ اتحاد و پیگیری درشتیقت مطالبات برحق شان دعوت کرده و خواستار تحکیم همبستگی شان در مبارزه علیه اخراج، جنگ ورزیم جنگ افروز خمینی شدند.

اعتصاب در چاپخانه دولتی ایران
کارگران چاپخانه دولتی ایران علیه تصمیم مدیریت مبتنی بر تغییر ساعت کار، اعتصاب کردند. عده‌ای از کارگران در جریان اعتصاب دستگیر شدند، اما اعتصاب پس از مدتی با تحقق خواسته‌های کارگران با موفقیت پایان یافت.

اعتصاب کارگران ساختمانی نیروگاه زاهدان
۵۰ تن از کارگران بلوچ ساختمان نیروگاه زاهدان به علت عدم پرداخت مزایا دست به اعتصاب زدند. این اعتصاب پس از آروز با موفقیت پایان می‌یابد. مسئولان نیروگاه، در جریان اعتصاب تمامی تلاش خود را برای ایجاد تفرقه و تکلیف در میان کارگران و شکستن اعتصاب بعمل آوردند اما یکپارچگی کارگران، توطئه مسئولین را نقش بر آب کرد.

اعزام اجباری به جبهه
کمیبود مواد اولیه، تعدادی از واحدهای تولیدی کوچک اصفهان را در آستانه تعطیل قرار داده است. سپاه پاسداران با مراجعه به مسئولان کارگاهها اعلام کرده است که در صورتی مواد اولیه مورد نیاز آنها را تامین خواهد کرد که کارکنان آنها برای مدتی به جبهه اعزام شوند.

تولید جنگ افزار برای تولیدگلا
سپاه پاسداران به کارخانجات و کارگاههای بزرگ صنعتی مراجعه میکند و از آنها میخواهد که هر کدام، قسمتی از تجهیزات نظامی مورد نیاز جبهه را بسازند. بعنوان نمونه به کارخانه زمینشناسی مراجعه کرده و خواسته اند سیسم هابی را که در جبهه مورد استفاده قرار میگیرد تولید کنند و با از کارخانجات ایران تا سیونال و تا کنفرانسی ایران خواسته اند که در قسمت‌های تراشکاریشان خمپاره انداز بسازند.

تاجران و آخوندها گویند:

"هر جور که ملت شده تاراج، بمن چه؟"
یا آنکه به دشمن شده محتاج، بمن چه؟
من سیرم و در فکر کسی نیستم اصلاً!
دنیای گروسته بدهد باج، بمن چه؟
بگذار بخواب بکنکش نهره و فریاد!
بیداری اینها نکنند خا طرم نشاد!
تک تک شده بیدار، راگر، وای، امان داد!
من سالم و شادم، همه در هفتابا داد!
هر جور که ملت شده تاراج، بمن چه؟
یا آنکه به دشمن شده محتاج، بمن چه؟

.....
.....
میرزا علی اکبر ما بر

راهی برای تشدید استثمار کارگران در غرب

در آمریکا ۷۰۰ هزار شغل موقت، ۱۱ میلیون کارگر نا شغل در کارهای خانگی و ۵/۵ میلیون کارگر کارهای غیر قانونی (کارهایی که قانون کار شامل آنها نمی‌شود) وجود دارد. در آلمان غربی ۶۰۰ هزار کارگر در مشاغل غیر قانونی کار میکنند که بین ۱۰ تا ۱۲ درصد تولید ناخالص ملی (یعنی در حدود ۸۵ میلیارد دلار) ارزش ایجاد میکنند. در انگلستان، اقتصاد غیر قانونی، اقتصاد کبرنده ۷/۵ درصد تولید ناخالص ملی (یعنی ۲۵ میلیارد پوند) است.

این اشکال عمده تشدید استثمار کارگران طی سالهای اخیر بطور قابل ملاحظه‌ای در کشورهای امپریالیستی رواج یافته است. عوارض و نتایج آن عبارتند از: کاهش دستمزد و حذف اشتغال مختلف، سوق یافتن نیروی کار در عرصه کارهای غیر قانونی، کاهش و یا حذف هزینه‌های تا مین اجتماعی، تضعیف و یا حذف نقش نمایندگانی اتحادیه‌های کارگری در عرصه اشتغال‌های موقت، کارخانگی و غیر قانونی (با زاریه نیروی کار). اشتغال نیمه وقت و کار موقت، موجبات کاهش نقش اتحادیه‌ها را فراهم می‌آورد. این دو عامل نقش اتحادیه‌ها را در عرصه‌هایی چون اشتغال، ساعت کار، شکل، استراحت و مرخصی و حقوق تا مین اجتماعی بطور جدی زیر فشار قرار داده و آنرا محدودتر کرده است.

و شکنجه شدید عناصر موثر گروهها و گسترش ضربه و دستگیری کارها و فعالین ازین طریق مبتنی است.

تلاش رژیم در ماههای بعد از بلنوم با همین منظور با شدت بیشتری ادامه یافت، با احداث یا بزرگتری از ساواک به خدمت پیگیرها و تعقیب و مرام قبت‌خالیین سازمان که کرده شده، کنترل تلفن‌ها به خصوص ارتباط پستی و تلفنی داخل به خارج افزایش یافته است و بافت و محل کار روزیگی و مسافرت خانسواده و وابستگان عده بیشتری از فعالین سازمان تحت مراقبت قرار گرفت.

تلاشهای اخیر رژیم در تاج علیه فدائیان خلق منجر به وارد آمدن ضرر به چند واحد سازمان در بخشهایی از تهران و شهرستانها شده است. در رفقای رژیم شده ما به سارت دشمن در آمدند. با اینهمه تلاشهای اخیر رژیم نیز با هوشیاری و مقاومت فدائیان خلق و پیروگری و دشمنان نتوانست به هدف خود برسی و وارد آمدن به اصطلاح "ضربه کاری" دست یابد. رژیم تا هنوز به سالیانی نبرد فدائیان خلق، بیاری دستگاه چینی ساواک تلاش کرد تا بر فعالیت انقلابی فدائیان "نقطه پایان" بگذارد و سازمان ما را به خیال خود از میان ببرد. همانطور که تاریخ نشان داده است و ساواک این آرزو را به گور بردند، خمینی و ساواک و نیز این آرزو را به جای دیگری نخواهند برد.

هماکنون ساواک خمینی در تلاش است تا از طریق درهم شکستن مقاومت رفقای دستگیر شده، برگردانی سرخ‌های بدست آمده، تعقیب و مراقبت، کنترل تلفنی و وارد ساختن عناصر مرتزقین به هم‌کاری و نفوذ در عوام خلق خود بدون شکست سازمان، به سطوح گسترده تر و بالاتری از شکست سازمان دست یافته و ادامه تهاجمات اخیر اکثرش دهد.

اساسی ترین موثرترین راه مقابله با این توطئه‌های سرکوبگرانه و خشن کردن آنها، کار بست دقیق اصول و ضوابط کار مخفی است. ما با دیگر سروجه دقیق و رعایت اکیدا این اصول و ضوابط را به همه فعالین خاطر نشان میسازیم.

اکنون وظیفه ما است با فریاد هر چه رسا تر "زنده باد صلح، زنده باد آزادی، مرگ خمینی"، بسا جلب هر چه وسیع تر حمایت جهانیان از مبارزین و زندانیان سیاسی ایران و وارد ساختن رژیم به تسلیم در برابر فریاد اعتراض علیه تروری ختنی، با افزایش فشاری و آماجگی‌های همه جا علیه سروری، مقابله با سرکوبگران رژیم و خشنی کردن نقشه‌های آنان، معزاین رژیم منحنض ضدمردمی را هر چه کوتاه تر میسازیم.

ناراضی و اعتراض عمیق توده‌های خلق از رژیم و مبارزه هر چه گسترش توده‌ای و هشیاری، فداکاری و ایمان انقلابی فدائیان خلق و نیز جبهه‌ها سالانگان در مبارزه علیه دیکتاتوری‌های شاه و خمینی سیاست سرکوب جنایتکارانه عمل رژیم را نقش بر آب خواهد کرد. رژیم علیه همه جناح‌های غیر رژیم بگیرد و بیندها و کشت و کشتاری که طی سال‌های اخیر دنبال کرده است قادر نیست وقا در نخواهد بود. فدائیان اعتراض مردم را خاموش کند. تجربه خونین سال‌های اخیر نشان داده است که سیاست سرکوب رژیم بیش از همه خود رژیم را رسوا و تضعیف کرده است. اکنون میلیونها مردم هر روزی پشتیبان جمهوری اسلامی بودند، بر اثر سیاست‌های جنایتکارانه رژیم تنها ما رودر روی آن قرار گرفتیم و همسدردی و تائید خود را نشان ندادیم و نیروهای ما را زود انقلابی می‌نمایند.

سیرم‌ترین...
وقتی از ضرورت اتحاد و تشکیل آلترناتیو انقلابی سخن می‌گوییم، از یک امر مشخص و مبهم سخن می‌گوییم که با قلم و قدم و با در نظر گرفتن شاعرانه و اقیامت موجود، همین امروز باید برای آن حرکت کرد. ما از اتحاد مشخص میان سازمانهای مشخص و طبق هدف و بر نه مشخص سخن می‌گوییم، نه از اتحادهای مجرد و مبهم و یا از تفرقه افکنی زیر علم اتحاد. بلنوم وسیع کمیته مرکزی سازمان ما، نظریه اهمیت امر اتحاد و عزم قاطع سازمان ما برای نبرد در راه تحقق آن، به پیشنهاها و چشم اندازهای بارهم مشخص‌تری را طرح کرده است.

بلنوم کمیته مرکزی سازمان ما بر ضرورت و اهمیت اتحاد سازمان ما، حزب توده، پسران، ستمین سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) (سیرم سیانه ۱۶)، سازمان کارگران انقلابی ایران (زراه کارگر)، حزب دموکرات کردستان ایران، سازمان مجاهدین خلق ایران و بر سیاه آماجهای مشترک این نیروها بطور اخص تأکید ورزید. این دعوت تا کید مجدداً بر خط مشی مصوب بلنوم مه‌ماه ۶۳ بوده است. سازمان ما فضای ایران لوده جنبش را به خوبی میشناخت و از مشکلات واقعی و راهی در مسائل میان سازمانهای انقلابی و ترقیخواه کاملاً آگاه است. ما عزم ما علیه بر این مشکلات است و نه مغلوب شدن در برابر آنها. در واقع شناخت درست این مشکلات واقعی و راهی و اقدام عملی برای رفع آنها قدم اول در راه تا مین اتحاد ضروری بلنوم ترقیخواه است. بلنوم وسیع کمیته مرکزی سازمان ما با نقد خلافت خط مشی گذشته سازمان در سالهای پس از انقلاب این امکان را فراهم آورد که ما مناسبات گذشته و حال خود را دیگر تروری و ترقیخواه را باز بینی کرده و جمع‌بندیهای جدیدی ارائه کنیم. همانطور که در مصوبات بلنوم ضروری ماه میسک است در سالهای ۶۰ و ۶۱، ترقیخواه ما سیاست اتحاد با سازمانهای چپ، حزب دموکرات کردستان ایران و سازمان مجاهدین ترک شوروی خود را در نشاندن و توطئه‌کننده با آنها در پیش گرفته شد. پدید آمدن مناسبات خصومت آمیز بین سازمان ما و سایر سازمانها و گروههای چپ، بیشتر از آنرا در متوجه ما میگرد و مشکلاتی را که در راه اتحاد و وحدت جنبش کارگری به مثابه مرکزی ترین نیاز جنبش خود داشت بندهت افزایش میداد.

سازمان ما عزم مبارزه عادلانه خلق کرد. نیز مناسبات ما با حزب دموکرات کردستان ایران به مثابه یکی از نیروهای ملی و دموکراتیک کشوره است. ما با ط ۵۹ هر دو در یک ستر خود را در هم علیه رژیم خمینی می‌جنگیدیم، در سال ۶۰ چنان تخریب شد که سازمان ما سیاست درستی اتحاد با حزب دموکرات کردستان علیه رژیم جمهوری اسلامی را کنار گذاشت و برخورد خصمانه با رهبری آنرا در پیش گرفت. بلنوم مه‌ماه ۶۳ و ۶۴ بلنوم ضروری ۶۵ این خطا را نقد و تصحیح کرد و سازمان ما را به اتحاد علیه جمهوری اسلامی و بخاطر تحقق آماجهای مشترک فراخواند.

سازمان ما در این اتحادیه‌ها و حزب دموکرات کردستان تاکنون برنامه اتحادیه‌ها ظرفیت اینک همه نیروهای ترقیخواه را در برگیرد و راه داده، در بر نه مسه و مواضع حزب دموکرات کردستان نیز هنوز سازمانها مشخص نامی برده نمیشود و مسایل بطور کلی مطرح میگردد. این در حالی است که یکسال پیش از این ۲۰۱ مرداد ۶۴ کمیته مرکزی سازمان ما در نشانه‌های به کمیته مرکزی حزب دموکرات کردستان ایران اعلام کرده است:

"سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و حزب دموکرات کردستان ایران در مهم‌ترین زمینه‌های مربوط به خط مشی توافق نظر اساسی دارند و بر این پایه به شما پیشنهاد می‌کنیم که برای دستیابی به این اهداف دموکراتیک و ترقیخواه ما در مساعی مشترک بکار گرفته شود."

به اعتقاد ما مجموع شرایطی که بر سر مردمیم از ما اقدام ضروری و مشخص برای متحد کردن بلنوم ترقیخواه و ایجاد آلترناتیو انقلابی را می‌طلبد، هر درنگ ما یک فرصت برای دشمن و رقیب ما است. سازمانهای انقلابی و ترقیخواه باید خود آیینند. فضای ایران لوده و بکناری و ستم‌دورشته‌های سرخی را که آنها را بیوند می‌دهد بسینند و بزنند. جز این نیست راه پیروزی.

تیم‌آشن...
بقیه از صفحه اول
اما در نتیجه اجرای سیاست عدم تمرکز تشکیلاتی و ارتسای طی و در اثر تحرک و هشیاری رفقای این نقشه با شکست مواجه شد. اینک پلیس سیاسی بطور عمده تا کنکت وارد آوردن ضربه به هر واحد سازمانی که اطلاعات مطلوبی از آن داشته باشد را در پیش گرفته است. این روش پلیس اساساً بر دستگیری

برای پایان دادن به گرانی کمر شکن، علیه جنگ پیا خیزید

شیلی می جنگد

اخبار و اطلاعات منعکس شده نشان میدهد که اقدام اخیر برای ترور پینوشه، نقشه ای بود برای بدست دادن محلی جهت اعلام حکومت نظامی توسط پینوشه و برآوردن دستگیریهایی و سرکوب خویش و جنبش خلق. بلاتحاله پس از حادثه مزبور خبرگزاریهای غربی اعلام کرده اند که "جبهه میهنی ما سوتل رودریگز" مسئولیت این عملیات را بر عهده گرفته است. سیدریگ تا نیکه و ارتش تا دندان مسلح دیکتا توریخا با نهی ما نتوانستند متصرف شوند. برای ۳۴ ماه حکومت نظامی اعلام شد و عملیات گسترده دستگیری در شهر و محلات کارگری حومه پایتخت آغاز گردید. اما چگونگی اقدام به ترور و جان بدر بردن خود دیکتا توریخا از آن، از همان آغاز جای سؤال داشته و طرزهای بعد خوزه سالاس نمانده "جبهه میهنی رودریگز" اعلام داشت که تلفن مجهولی که به استناد این عملیات مزبور به جبهه رودریگز نسبت داده شده است بی اساس بوده و آنچه میگذرد توسط جبهه میهنی نیست. حزب کمونیست شیلی نیز اعلام نمود که حادثه توسط نهی بود برای پیاده کردن نقشه جنايتكارانه و سرکوب از قبیل تدارک شده خونخوار فاشیست اما جبهه اصلی دستگا سرکوب خونخوار متوجه سازمانهای اپوزیسیون، بویژه "جنبش دموکراتیک شیلی" شده است. مشکلات حزب کمونیست و تعدادی دیگر از احزاب سازمانهای چپ شیلی است تاکنون تعدادی از رهبران سیاسی، روزنامه نگاران و فعالان لیبرال سوسیالیست با زدن دستها شده اند. در میان با زدن دستها نام جرمان کوررا، رهبر "جنبش دموکراتیک شیلی" و یکی از رهبران اتحاد دموکراتیک که عضو حزب دموکرات مسیحی است دیده میشود. با دنجانیتار حزب سوم "جنبش اسپینا میر" که توسط سازمان منبیت پینوشه برآوردن است هر روز جانات جدیدی می آفریند. ریودن و قتل فجیع یک روزنامه نگار کمونیست بنام "خوزه کاراکو" توسط افراد این با تدخیم عمومی مردم شیلی را برانگیخت است. این حوادث در شرایطی روی داده است که چپان طی سال گذشته بویژه ماههای اخیر شاهد و جگبری بسیار مکرر مبارزات مردم شیلی علیه خونخوار حاکم بوده است. اعتصابات عمومی خرداد ماه و تظاهرات و درگیریهای خیابانی و انواع حرکات اعتراضی مردم که بطور بی وقفه در تمام طول سال گذشته جریان داشت، بگونه ای انکارناپذیر آنکارا ساخت که خلق شیلی دیگر نتوانند حکومت نظامی را تحمل کنند. نقش اصلی را در گسترش سازماندهی مبارزات مردم به منظور سرنگونی رژیم پینوشه "جنبش دموکراتیک شیلی" است. این حزب کمونیست، حزب سوسیالیست، جنبش چپ انقلابی (میر)، ما بوا جنبش اقدام متحد (نوده ای) و چند سازمان چپ دیگر، بر عهده داشته اند. اختلافی نیز که در گذشته با گروههای "مجمع ملی شیلی" و "مشکل زین" داشته است، از زمان احصای برای مبارزه مشترک علیه دیکتا توری و تحت شعار "پیروزی از آن ماست" ایجاد گردید، پیروزی دیکتاتور برای مردم شیلی در مبارزه یکبارجه علیه رژیم بود. در این اختلاف، که اتحادی از سازمانهای اجتماعی است، دو نیروی عمده اپوزیسیون یعنی "جنبش دموکراتیک شیلی" و "مجمع ملی شیلی" به رهبری حزب دموکرات مسیحی در اتحاد با هم قرار گرفته اند.

امیرالیسم آمریکا در هر اس شدیداً زینکارا کوئ دومین در شیلی، خواهان آنست که پینوشه را تا آخرین روزی که میسر باشد سر قدرت نگاهدارد. آمریکا بسا تمام طرفندهای خود کوشیده است تا اتحاد نیروهای دیکتا توری را درهم تکانده ما در این راه نامکام مانده است. دیکتا توری که میبند چیزی به پایان معرکه حکومت نکینش نمانده است اخیراً اعلام کرد برای مقابله با گسترش مبارزات خودهای و اعتصابات

به براندهای رادیو زحمتگان ایران کوش فرا دهد. رادیو زحمتگان ایران، صدای آزاده همه کارگران و زحمتگان کشور و صدای برجست نام مجرمان میهن است. رادیو زحمتگان ایران هر روز در ساعت ۷ عصر به مدت نیم ساعت روی موج ۹۰۷ کیلوهرتز ۲۸ مرسو ۴۹۹۰ متر برنامه پخش میکند. این برنامه ساعت ۳:۰۷ دقیقه همان روز و پنج روز بعد تکرار میشود. ساعت و طول موج این صدای رسای صلح و آزادی را بخاطر بسپارید! وقت و طول موج آنرا به همگان بگویید و در همه جا بپوشید. رادیو زحمتگان ایران، افشاکر جنایات رژیم خمینی و سجنوی منافع کارگزاران و زحمتگان است.

عمومی، حاضرات به وسیله ای از جمله تکرار حمله خون اسپتامیر ۱۹۷۳ دست بزند. آنچه که در شهریور ماه گذشته در شیلی روی داد، چیزی جز اجرای همین تدبیر خویش دیکتا توریخه است. در اعلامیه ای که "جنبش دموکراتیک شیلی" پس از از حوا دت اخیراً منتشر داد، همه نیروهای دموکراتیک کشور را به اتحاد و عمل و تشدید مبارزه برای سرنگونی دیکتا توری فرا خوانده شده اند. شرایطی که خلق شیلی هم اکنون با آن مواجه است بسیار دشوار است، اما آشکار است که بحران رژیم پینوشه را چاره ای نیست. ترور و سرکوب و هتک شرفا در نسبت پینوشه را از شکست محتوم نجات دهد.

زاین به "جنگ ستارگان" پیوست

دولت زاین در ماه گذشته اعلام کرد که به برنامه "جنگ ستارگان" آمریکا می پیوندد. زاین با این اقدام، که میگوید در راستای سیاستهای حسیستیک افروزان دولت ریگان برداشته تصمیم زاین با سه اصل غیرهسته ای مندرج در قانون اساسی آن و قطعنا به بارلمان این کشور در باره استفاده از فضا فقط با هدف صلح آمیز، مفایرت آشکارا دارد. دولت زاین زمانی ایست تصمیم گرفت که افکار عمومی و احزاب عمده مخالف در این کشور، علیه آن به اعتراض برخاسته بودند. دولت ریگان مدت ها ست تلاش میکند که متحدین خود را برای اجرای برنامه "جنگ ستارگان" جلب کند و از تکنولوژی آنها بویژه زاین بهره جویید و بخشی از هزینه سرسام آوری این برنامه را بردوش آنان بگذارد. دولت توکیو که خط مشی ما جرات جوانه تبدیل زاین بیک دولت بزرگ نظامی را پیش می برد، به سعای شرکت های خصوصی زاین که در صد کسب سودهای میلیاردها هستند، به خواست دولت ریگان جواب مثبت داد. ریگان تلاش میکند که از توافق توکیو، علیه مخالفین طرح "ایتکسار دفاعی استراتژیک" در صفوف متحدین آمریکا در تانو بهره برداری کند و دیگر کشورها را نیز بسوی انجام این طرح بکشد. اما اعتراضات علیه "جنگ ستارگان" و سیاستهای جنگ افروزان دولت ریگان روز بروز گسترده تر میشود. جنبش صلح با قدرت و با قاطعیت در مقابل بله جنگ هسته ای و مسابقه تسلیحاتی ایستاده است.

گامی مهم در اتحاد نیروهای فلسطینی

بدنبال گفتگوهای گامی میان سازمانهای فلسطینی صورت گرفت سازمان الفتح، جبهه دمکراتیک برای زادی فلسطین و حزب کمونیست فلسطین بر اساس کبیرنامه ۱۰ ماده ای به توافق رسیدند. در پیروزی سازمان الفتح با مدور بیانیهای رسماً لغو توافقی فوریه ۱۹۸۵ میان یاسر عرفات و ملک حسین را اعلام داشته لغو این موافقتنامه، از سوی سازمانهای چپ فلسطینی شرط هرگونه توافق با الفتح اعلام شده بود. در اعلامیه بدین مناسبت از سوی الفتح، جبهه دمکراتیک و حزب کمونیست فلسطین اعلام شده، آمده است توافق ۱۱ فوریه ساف - اردن دیگر بیه قوت خود باقی نیست و اساس و پایه سیاست ساف را که در دراز مدت با مسئله فلسطین، چه در سطح عربی و چه در سطح بین المللی تشکیل نمیدهد. اعلامیه جبهه می افزاید روابط ساف و اردن بر اساس قطعنامه مسه کنفرانس ۱۹۷۴ ایران عرب استوار است. در این اعلامیه همچنین آمده است سازمان آزادیبخش فلسطین تنها نماینده قانونی خلق فلسطین است. اعلامیه بر ضرورت تشکیل یک دولت فلسطینی در سرزمینهای فلسطینی که با یادا ز اشغال اسرائیل آراشود، تاکید میوزد. بر اساس اعلامیه مشترک سه گروه فلسطینی (الفتح، جبهه دمکراتیک و حزب کمونیست)، در جریان گفتگوهای که از اول تا پنجم سبامیسن جاری در پراک صورت گرفت، سه گروه برای احصای وحدت ساف یک بیانیه یا زده ما ده ای تنظیم کرده اند. بیانیه، برنامه سیاسی ۱۹۷۴ ساف را همچنان معتبر دانسته و نسبت به قطعنامه های شورای ایمنی (بارلمان در تبعید) فلسطین اظهار وفاداری کرده است. بیانیه می افزاید شورای ملی فلسطین باید با شرکت همه گروهها و شخصیت های فلسطینی برگزار شود. سه گروه مضاء کننده بیانیه، همواره حلهای جداگانه و بویژه طرح کمپ دیوید و طرح ۱۹۸۲ اریگانی را محکوم کرده اند. الفتح، جبهه دمکراتیک و حزب کمونیست فلسطین قطعنامه ۲۴۲ سازمان ملل را که مسئله فلسطین را تنها در رابطه با آوارگان فلسطینی مطرح میکند، با سخوی منافع ملت فلسطین نمیدانند. بیانیه سه گروه مزبور خواستار برپایی یک کنفرانس بین المللی خاور نزدیک با شرکت ساف به عنوان تنها نماینده خلق فلسطین شده است.

پایان کار کنفرانس استکهلم
کنفرانس ۳۵ کشور اروپایی، آمریکا و کانادا که از ۱۵ ژانویه ۸۴ (دی ۲۴) در استکهلم پایتخت سوئد جریان داشت در ۲۴ شهریور ما گذشته (۲۲ سپتامبر) نخستین مرحله کار خود را با پایان رساند. در جریان کار کنفرانس، اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی کوشیدند که مسایل اساسی که بنسب سرتوشت نما می شریبت مربوط میشود، مسایلی نظیر عدم توسل به زور در حل مسایل بین المللی، قطع تجاوزات، کنترل ما نوره ای نظم و انتقال اشتغال نیروهای مسلح در اسناد دپلماتی مورد توافق و تاکید قرار گیرند.

سند نهایی کنفرانس که به امضای همه ۳۵ کشور شرکت کننده رسیده است "تدابیر تحکیم اعتماد و امنیت و صلح در اروپا" اختصاص داده شده است. در مرحله دوم کنفرانس، مذاکره پیرامون "صلح سلاح عمومی در اروپا" در دستور کار شرکت کنندگان قرار خواهد گرفت. در سند نهایی کنفرانس استکهلم بر کنترل ما نوره ای نظامی که تاکنون بهانه مخالفت آمریکا و سایر پر دول امپریالیستی با امر صلح بوده است، تاکید شده است. ایمن سندهای با تلاش مسولانه و بیکیفیت اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی به تصویب کنفرانس رسید. مورد مخالفت آشکار و پنهان ارتجاعی ترین نیروهای میلیتاریست و مدافع جنگ است. با پایان موفقیت آمیز کنفرانس استکهلم و تصویب سند نهایی آن متوجه تحکیم صلح در اروپا و سراسر جهان است. موفقیت کنفرانس و سند نهایی آن بویژه در شرایطی که امپریالیسم آمریکا تلاشهای خود را در جهت گسترش بیش از پیش نظامی گری و مسابقه تسلیحاتی بنحیون آرمیزی تشدید کرده است اهمیت بیشتری میابد و نشانگر قدرت نیروهای صلح دوست جهان و در اس آنان اتحاد شوروی در مبارزه علیه خطر فزاینده جنگ هسته ای است. نتیجه کار کنفرانس گسترش بیشتر مویبات کنفرانس ۱۹۷۵ هلسینکی در جهت کاهش تنش و وخات امواض بین المللی است و به شکست تلاشهای دولت ریگان یاری میرساند. از همین رو مورد پشتیبانی خلقها و نیروهای صلح دوست سراسر جهان قرار دارد.

افریقای جنوبی! غولی زاده شد

با وحدت بزرگترین اتحادیه های کارگری افریقای جنوبی، "کنگره اتحادیه های کارگری کشور تاسیس شد". با بنیانگذاری این کنگره (فدراسیون) جنبش کارگری و مبارزه انقلابی و آزادیبخش مردم افریقای جنوبی وارد مرحله نوینی شده است. کنگره اتحادیه های کارگری که در حال حاضر ۴۵۰ هزار عضو دارد، کارگران مهمترین بخش های اقتصادی کشور را نمایندگی میکند. نشریه حزب کمونیست افریقای جنوبی در مقاله ای تحت عنوان "غولی زاده شد" تاکید میکند که ایجاد این کانون از اهمیت تاریخی برجستهای برخوردار است و کنگره "بزرگترین و نیرومندترین فدراسیون کارگری است که در تاریخ جنبش کارگری افریقای جنوبی شکل گرفته است." کنگره اتحادیه های کارگری مبارزه علیه نژاد پرستی و مبارزه در راه وحدت کارگران سیاه و سفید و اتحاد سازمانهای خلقی با اتحادیه های کارگری و اکلید پیروزی طبقه کارگر و خلسبق افریقای جنوبی بر رژیم نژادپرست و سراسر سرمایه داری میداند. طبق بررسی یک نشریه معتبر کارگری افریقای جنوبی، تا پایان سال ۱۹۸۶، تعداد اعضای کنگره به ۱ میلیون نفر خواهد رسید.

با جمع آوری کمک های مالی فدائیان خلق را در انجام وظایف انقلابی خود یاری دهید.

آدرس: P.O. BOX 1091 WIEN AUSTRIA
مسابانکن: AUSTRIA - WIEN
BAWAG
NR. 02910701 - 650
DR. GERTRAUD ARTHUR

پیروز باد مبارزه خلق در راه جمهوری اسلامی!